

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

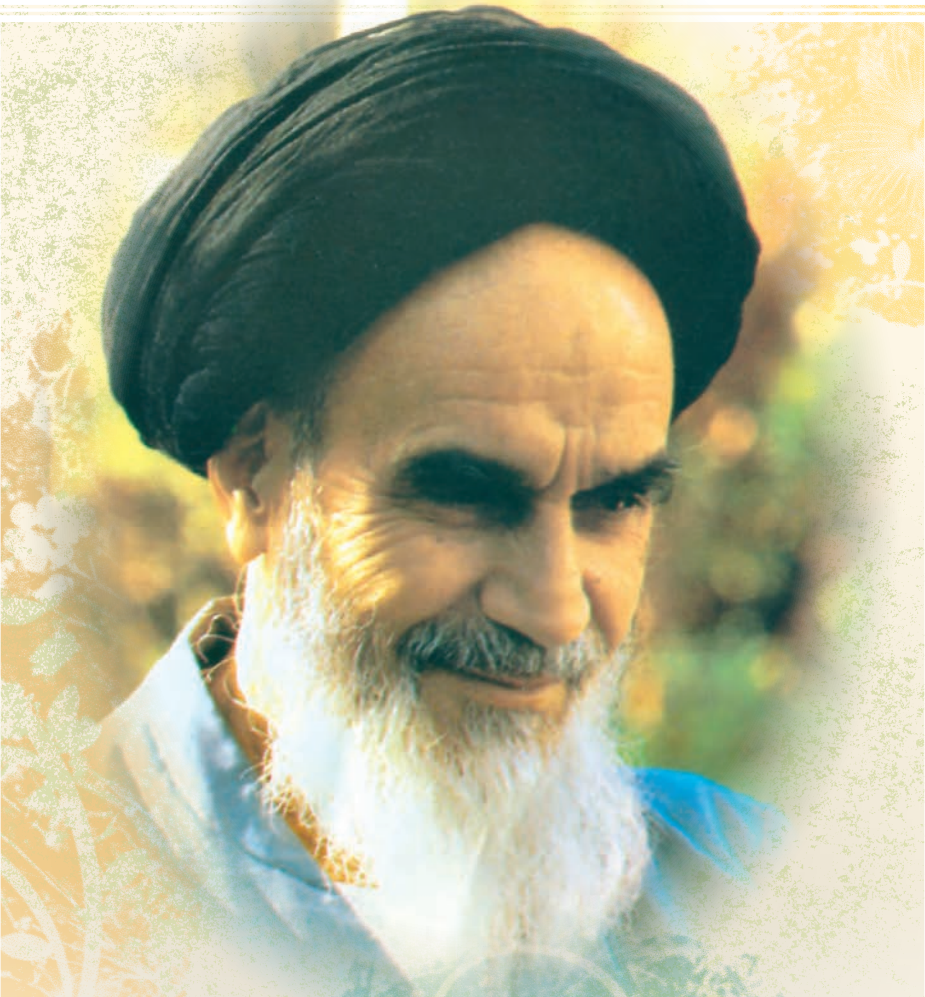


سام های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

پایه هشتم

دوره اول متوسطه



اوّل نماز بخوانیم

یکی از فرزندان امام خمینی (قَدِّسَ سِرُّهُ) دربارهٔ ایشان می‌گوید :

امام همیشه می‌فرمود : در مورد نمازتان اهمال نکنید. همین که شما می‌گویید اوّل این کار را بکنم بعد نماز بخوانم این خلاف است. این حرف را نگویند. به نمازتان اهمیت بدهید. هنگامی که نزدیک نماز می‌شد، ایشان سر از پا نمی‌شناخت. به هر کس که در اتاق بود به صراحت می‌گفت : بروید [برای نماز آماده شوید] وقت نماز است. همیشه در این لحظات یک تبسمی پیدا می‌کردند که آدم احساس می‌کرد انتظار لحظات شیرینی را می‌کشند.

فهرست

فصل اول: خداشناسی

- درس اول: آفرینش شگفت‌انگیز ۱۰
درس دوم: عفو و گذشت ۱۷

فصل دوم: معاد

- درس سوم: همه چیز در دست تو ۲۵

فصل سوم: راهنماشناسی

- درس چهارم: پیوند جاودان ۳۴
درس پنجم: روزی که اسلام کامل شد ۴۱

فصل چهارم: راه و توشه

- درس ششم: نردبان آسمان ۵۱
درس هفتم: یک فرصت طلایی ۵۹

فصل پنجم: اخلاق

- درس هشتم: نشان ارزشمندی ۶۶
درس نهم: تدبیر زندگانی ۷۴
درس دهم: دو سرمایه‌گرانبها ۸۱
درس یازدهم: آفت‌های زبان ۸۸
درس دوازدهم: ارزش کار ۹۶
درس سیزدهم: کلید گنج‌ها ۱۰۴

فصل ششم: جامعه اسلامی

- درس چهاردهم: ما مسلمانان ۱۱۱
درس پانزدهم: حقّ النَّاس ۱۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

دبیران محترم دینی، سلام

به شما تبریک می‌گوییم که توفیق هدایت نسل‌های آینده را - که همان رسالت انبیاست - به عهده دارید. بی‌شک انجام مخلصانه این مسئولیت، رسالتی است که در دنیا هیچ میزانی نمی‌تواند آن را بسنجد و پاداش آن در عالم طبیعت قابل پرداخت نیست.

هیچ جایگاهی در جامعه به جایگاه معلم نمی‌رسد؛ چرا که در دنیا هیچ موجودی به شأن انسان نمی‌رسد و انسان امانت در دست معلم است. معلم پس از والدین اولین کسی است که می‌تواند نقش نیک یا بد را بر لوح سفید و آمادهٔ اذهان دانش‌آموزان بنگارد و این چنین دست توانای معلم، چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند. معلم می‌تواند جامعه را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم یا گریزان از علم، متقی و پاکدامن یا بی‌بندوبار بسازد؛ بنابراین اگر قرار باشد جامعه اصلاح شود، این اصلاح باید از مدرسه آغاز شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید پیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند و ادب رفتاری‌اش، بیش از ادب گفتاری‌اش باشد»^۱ تمامی رفتارهای معلم در کلاس؛ نگاه، اشاره، لبخند، اخم کردن، لباس پوشیدن و... بر روی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و هر فردی در زندگی خود، عمیق‌ترین احساسات و عواطف را از معلمش دریافت می‌کند؛ بنابراین، شایسته است این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام، همواره آویزهٔ گوشمان باشد که «ای علی، اگر خداوند به وسیلهٔ تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است»^۲.

کتابی که پیش روی شماست حاصل زحمات چندین سالهٔ کارشناسان متعدد در حوزه‌های مختلف دینی و تربیتی است که با پیشنهادهای شما دبیران زحمت‌کش و دلسوز به ثمر رسیده است و امید می‌رود باز هم با تلاش‌های مخلصانهٔ شما، در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان میهن اسلامی‌مان، ایران عزیز، بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد. نتایج ارزشیابی‌های صورت گرفته از کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی» سابق، و چاپ‌های اول کتاب «پیام‌های آسمان»، در بازتألیف این کتاب مؤثر بوده و گفتنی است که محتوای آن براساس اهداف و آرمان‌های «برنامهٔ درسی ملی» تنظیم و به رشتهٔ تحریر درآمده است.

همان‌گونه که مستحضرید کتاب «پیام‌های آسمان»^۳، علاوه بر تغییر در محتوا و سبک نگارش، حاوی رویکردهای نوین تربیتی و آموزشی است. جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم ساختن آنها در مراحل تدریس، از مهم‌ترین رویکردهای کتاب است. بر این اساس، بهترین روش تدریس، روش تدریس فعال است که در آن دست‌کم

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۰

۲. کافی، ج ۵، ص ۲۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ۳/۶۹۱/۶۵۳

۳. همکاران محترم می‌توانند جهت مطالعه «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دورهٔ اول متوسطه»، مشاهده متن کتاب قبل از توزیع سراسری، مطالعه راهنمای معلم کتاب پیام‌های آسمان، دریافت نمونه سؤالات امتحانی، اظهار هر گونه پیشنهاد و انتقاد درباره کتاب، طرح پرسش‌های محتوایی کتاب و دریافت جواب از کارشناسان مربوطه، و بهره‌برداری از محتواهای مختلف ارائه شده به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی روبه‌رو مراجعه فرمایند: <http://qm - dept. talif. sch. ir>

بیست دقیقه از زمان هر جلسه تدریس، به مشارکت دانش‌آموزان در مباحث و شنیدن نظرات آنان اختصاص می‌یابد. شایسته است دبیران محترم در این فرصت، صرفاً به جهت‌دهی مناسب و اصلاح خطاهای احتمالی دانش‌آموزان در طرح نظرات بپردازند. گروه‌بندی دانش‌آموزان کلاس، اختصاص دادن زمان مناسب به پرسش‌ها و ایجاد فرصت گفت‌وگو برای آنان و داوری دربارهٔ نظرات یکدیگر از ملزومات این روش است. محدود ساختن روش‌های تدریس به روش سخنرانی و تبدیل دانش‌آموز به یک شنوندهٔ صرف، در تعارض با اهداف تربیت دینی است و به آفت بزرگ حافظه‌محوری در دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

«راهنمای برنامهٔ درسی تعلیم و تربیت دینی دورهٔ اول متوسطه»، شیوه‌نامهٔ ارزشیابی متناسب با مفاهیم و معارف کتاب «پیام‌های آسمان» را طراحی کرده است. اجرای کامل این شیوه‌نامه، موجب می‌شود تمامی اهداف آموزشی و تربیتی مد نظر تحقق یابد. در همین راستا دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری از همکاران انتظار دارد همواره این شیوه‌نامه را مد نظر قرار داده و مطابق آن، ارزشیابی‌های مستمر و پایانی را اجرا نمایند.

شیوه‌نامهٔ ارزشیابی

ارزشیابی درس پیام‌های آسمان در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» و «ارزشیابی پایانی» انجام می‌گیرد. در ارزشیابی تکوینی، بیشتر به مهارت‌ها توجه می‌شود و جنبهٔ کیفی و توصیفی دارد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی، یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگیرهٔ ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ابزار کمی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی آزمون کتبی دارد. در این آزمون، میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید پوشش متناسبی از سطوح یادگیری را دربرگیرد. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه کرد.

مهارت‌های اساسی ارزشیابی پیام‌های آسمان

- ۱- ارزشیابی تکوینی (اعم از کتبی و شفاهی) و ارزشیابی کتبی پایانی هر یک جداگانه بیست نمره دارند.
- ۲- ارزشیابی پایانی نوبت اول، از مطالب تدریس شدهٔ همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم، از تمام محتوای کتاب به عمل می‌آید.
- ۳- ابزارهای ارزشیابی عبارتند از: آزمون‌های کوتاه‌پاسخ، چهارگزینه‌ای، جورکردنی، تصویری، چک‌لیست مشاهدهٔ رفتار، فعالیت‌های تحقیقی و پیشنهادی، فعالیت گروهی، مشارکت در مباحث، بیان مطالب تکمیلی و مفید، ارائهٔ سؤالات کاربردی، بروز رفتار مثبت و تثبیت آن.
- ۴- در کلیهٔ ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.
- ۵- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمهٔ آنها - به جز آیات و روایاتی که با ستاره

مشخص شده‌اند - برای دانش آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

۶- فصل «راه و توشه» کتاب حاضر برای آموزش احکام است که اساس آموزش آن بر حفظ موارد متعدّد تکیه دارد؛ بنابراین، فعالیت کلاسی این درس‌ها نیز حفظی خواهد بود و حالت واگرا (بازپاسخ) ندارد؛ به همین دلیل می‌توان فعالیت‌های کلاسی این فصل‌ها را در ارزشیابی مستمر و پایانی تأثیر داد.

۷- بخش «خودت را امتحان کن» شامل پرسش‌های همگرا (بسته پاسخ) است و در ارزشیابی پایانی به کار می‌رود. این بخش به عنوان تکلیف توسط دانش آموز در خانه انجام می‌شود و در جلسه بعدی به منظور جمع‌بندی، تصحیح و تثبیت یادگیری به کار می‌رود.

۸- مطالب بخش «فعالیت کلاسی» به منظور افزایش مشارکت دانش آموزان در فرایند تدریس است و می‌تواند نقش مهمی در ارزشیابی‌های دانش آموز داشته باشد.

۹- بخش «بیشتر بدانیم» هر درس برای توسعه اطلاعات دانش آموزان است. شما دبیر محترم می‌توانید برای توضیح درس از آنها استفاده نمایید و یا نمره تشویقی برای این بخش در نظر بگیرید، اما نباید در ارزشیابی تکوینی یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۱۰- بخش «پیشنهاد»، دانش آموز را در درک بهتر مفاهیم و اهداف درس یاری می‌کند. انجام این بخش و سایر فعالیت‌هایی که از سوی معلم یا دانش آموز پیشنهاد می‌شود، کاملاً اختیاری است و صرفاً می‌تواند برای دانش آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر بیست نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش آموز خواهد بود و نمی‌تواند به نمره ارزشیابی پایانی اضافه شود.

۱۱- بخش «الهی» در هر درس برای جمع‌بندی در انتهای دروس قرار گرفته است که در ارزشیابی تکوینی و پایانی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

۱۲- بارم‌بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (بیست نمره) به شرح زیر است :

الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب و پرسش‌های بخش «خودت را امتحان کن»: ۷ نمره

ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب و سایر فعالیت‌هایی که در کلاس توسط دانش آموز یا دبیران محترم تعریف می‌شود: ۷ نمره

ج) مشارکت در فرایند تدریس، گفت‌وگو و کار گروهی^۱: ۴ نمره

د) داشتن پوشه کار خوب و منظم توسط دانش آموز: ۲ نمره

۱۳- نمره پایانی هر نوبت، عبارت است از مجموع نمرات ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی آن نوبت، تقسیم بر دو.

۱. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: تهیه شعر مناسب و قرائت آن در کلاس، اجرای سرود در موضوعات مرتبط با مفاهیم درس، اجرای مولودی در مناسبت‌های مرتبط با درس‌ها، نوحه‌خوانی، اجرای نمایش که شامل داستان‌های داخل کتاب درسی و سایر داستان‌های مرتبط با عناوین و موضوعات درس می‌شود، ارائه سخنرانی پیرامون مفاهیم درس‌ها، آماده ساختن و ارائه قطعه‌ای از فیلم‌های مناسب با موضوعات و مفاهیم درس‌ها، تهیه و ارائه اسلایدهای کمک‌کننده به مفاهیم درس‌ها، تهیه کاردستی و ...

سخنی با دانش آموزان

سلام عزیزان،

عمرتان همیشه بهاری و دل‌هایتان گرم محبت خدا باد، یک سال از آشنایی شما با کتاب «پیام‌های آسمان» گذشت و یک سال بر عمر شما افزوده شد. عمری که بی‌بازگشت است و جز خاطره‌ای از آن باقی نمی‌ماند.

بسیاری از شما این یک سال را خوب گذرانده‌اید، خوب درس خوانده‌اید، به نماز و ارتباط با خدا بیشتر توجه کرده‌اید؛ برای از بین بردن عیب‌های خود تلاش نموده‌اید و گام به گام به خدا نزدیک‌تر شده‌اید.

برخی‌ها هم قسمتی از عمرشان را اسراف کرده‌اند؛ یعنی آن را بی‌حساب خرج کرده‌اند، پای هر حرفی نشستند؛ با هر کسی دوست و رفیق شده‌اند؛ هر فیلم و برنامه‌ای را دیده‌اند و خلاصه عمرشان را تلف کرده‌اند. خوشا به حال دسته اول و صد حیف به دسته دوم!

البته نباید ناامید شد. امسال فرصتی دوباره داریم. می‌توان از نو شروع کرد و رو به خدا آورد و از او خواست تا راه درست را به ما نشان دهد؛ راهی که به سعادت و خوشبختی ما منجر می‌شود. در کتاب پیام‌های آسمان پایه هشتم، با این راه نجات‌بخش، بیشتر آشنا خواهید شد.

در این دنیا «همه چیز در دست تو» است و هرگونه که بخواهی می‌توانی از زندگی‌ات استفاده کنی. اگر ارزش «دو سرمایه گرانبها»یت را بدانی و از «فرصت طلایی» به‌خوبی استفاده کنی می‌توانی به راحتی قدم بر «نردبان آسمان» بگذاری و به خدای مهربان نزدیک‌تر شوی.

در این کتاب، «کلید گنج‌ها» را به تو خواهیم داد تا با آن به نعمت‌های بی‌پایان خداوند دست یابی. امیدواریم با خواندن این کتاب، شایسته دریافت «نشان ارزشمندی» شوی؛ نشانی که بندگان خوب خدا به داشتن آن افتخار می‌کنند.

پس، اگر می‌خواهی در این راه قدم بگذاری، این کتاب را آغاز کن و به آنچه می‌خوانی عمل کن. خواهی دید که دلت چه زود آسمانی می‌شود.

فصل اول

خداشناسی

سال گذشته با برخی از صفات خداوند از قبیل مهربانی، ناظر بودن، حافظ و مستعان بودن آشنا شدیم. امسال در دو درس با سایر صفات الهی آشنا می‌شویم:

درس اول (آفرینش شگفت‌انگیز): خداوند مهربان جهان را بسیار زیبا و شگفت‌انگیز آفریده است؛ این شگفتی و زیبایی در وجود انسان، جهان هستی و تمام موجودات قرار دارد. در این درس، با نمونه‌هایی از آفرینش شگفت‌انگیز که نشانگر وجود خداوند ناظم و حکیم است آشنا می‌شویم.

درس دوم (عفو و گذشت): غفّار بودن از صفات خداوند است به این معنا که خدای بزرگ از گناهان و خطاهای انسان‌ها چشم‌پوشی می‌کند تا راه رسیدن آن‌ها به بهشت جاودان هموار شود. در این درس، علاوه بر اینکه با صفت غفّار بودن خداوند آشنا می‌شویم، می‌آموزیم که اگر ما هم می‌خواهیم بندهٔ خوب خدا باشیم، بهتر است از خطاهای دیگران گذشت کنیم، این کار بخشش بیشتر خداوند را نیز به همراه دارد.

آفرینش شگفت‌انگیز

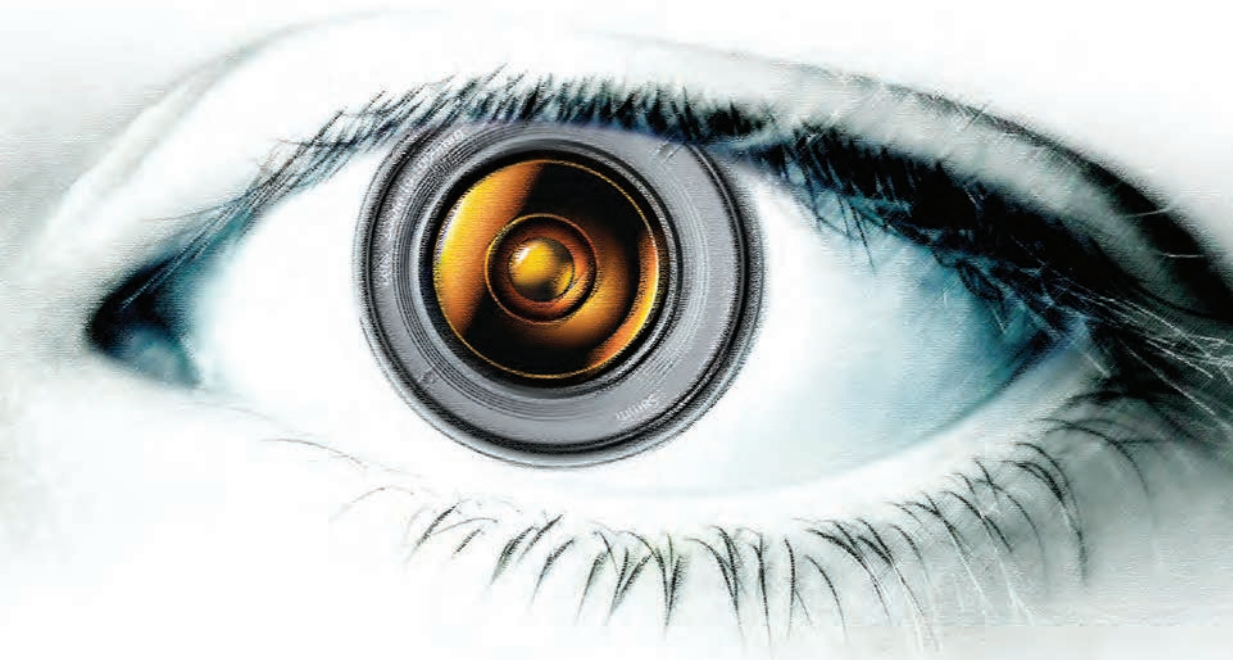
۱

اگر هنگام تمیز کردن شیشه ساعت، کسی از ما بپرسد: «ساعت چند است؟»، معمولاً در چنین حالتی دوباره به ساعت نگاه می‌کنیم و سپس جواب می‌دهیم. می‌دانید چرا؟ نگاه ما به پدیده‌های اطرافمان معمولاً نگاهی سریع و گذراست؛ به همین دلیل در نگاه اول، بسیاری از جزئیات از چشم ما پوشیده می‌ماند. شگفتی‌های جهان آفرینش – که بسیاری از آنها در وجود خود ما انسان‌ها قرار دارد – بخشی از دیدنی‌های این جهان زیبا است. ما معمولاً بی‌توجه از کنار آنها عبور می‌کنیم. کافی است دست‌کم برای یک روز، نگاهمان را به جهان تغییر دهیم تا برای اولین بار به برخی شگفتی‌ها پی ببریم.

بی نظیر

حمید با آب و تاب درباره نمایشگاهی که دیروز با دایمی اش به آنجا رفته بود، صحبت می کرد؛ «بچه ها باورتان نمی شود! یک دوربین فیلمبرداری بزرگ دیدم که زیرش چرخ گذاشته بودند. می گفتند بدون چرخ و سه پایه مخصوص نمی توان آن را حرکت داد. یک دوربین دیگر بود که می گفتند بدون فیلم، ساعت ها فیلمبرداری می کند! عدسی عجیب و غریبی داشت؛ می گفتند اگر اینها نباشد، نمی شود با نور کم (مثل غروب) فیلمبرداری کرد.

دایمی ام از مسئول دوربین ها پرسید: می توانید پیشرفته ترین دوربین را به ما نشان دهید؟
— شما چطور متوجه پیشرفته ترین و عجیب ترین دوربین دنیا نشدید؟! این دوربین بسیار سبک و زیباست و به راحتی حرکت می کند. تازه بدون اینکه احتیاج به فیلم داشته باشد تا ده ها سال می تواند بدون کمترین مشکلی فیلمبرداری کند. اگر کمی گرد و غبار داخل اش شود، خود به خود به کار افتاده و خودش را شست و شو می دهد. حتی گاهی اوقات که دچار مشکلی می شود، به صورت طبیعی خودش را تعمیر و تنظیم می کند. در هر زمانی با توجه به میزان نور، عدسی اش به صورت خودکار تنظیم می شود. وقتی هم که صاحب اش نخواهد از آن استفاده کند، خود به خود خاموش و بسته می شود...



من با خوشحالی گفتم: اگر ممکن است زودتر این دوربین بی نظیر را به ما نشان دهید.
— کافی است یک بار با دقت در آینه نگاه کنی تا بهترین دوربین دنیا را ببینی!!

تا حالا به آفرینش چشم‌های خود دقت کرده‌اید؟
چشم‌ها داخل گودی صورت قرار دارند تا با استخوان‌های گونه، پیشانی و بینی از آنها محافظت شود. اگر این حصار استخوانی اطراف چشم را نگرفته بود، هر ضربه‌ای به چشم می‌توانست انسان را برای همیشه از نعمت بینایی محروم کند.
به ابروهایتان نگاه کنید. این موهای کوتاه که زیبایی‌بخش صورت شما هستند، علاوه بر اینکه مانند سایبان از تابش شدید نور به چشم جلوگیری می‌کنند، نمی‌گذارند عرق پیشانی نیز وارد چشم‌ها شود. حالا تصور کنید، اگر چشم‌ها داخل گودی قرار نداشتند، اگر ابروها نبودند؛ اگر مژه‌ها هر لحظه از ورود گرد و غبار به چشم جلوگیری نمی‌کردند؛ اگر پلک‌ها باز و بسته نمی‌شدند؛ اگر شکل چشم‌ها بادامی نبود و اشک از آن خارج نمی‌شد و... چه اتفاقی می‌افتاد؟
این همه شگفتی باعث شده است که دانشمندان و مخترعان بزرگ، با الگو گرفتن از آن، موفق به ساخت دوربین‌ها، میکروسکوپ‌ها و تلسکوپ‌های دقیق شوند.
امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره آفرینش انسان می‌فرماید:

از [خلقت] این انسان باید تعجب کرد که با تکه‌ای چربی نگاه می‌کند، با پاره‌ای گوشت سخن می‌گوید و با چند استخوان [ریز] می‌شنود.^۱



آنچه گفته شد، فقط نمونه‌ای از شگفتی‌های بی‌پایان دنیای ماست.
شما هم با دوستانتان گفت‌وگو کنید و نمونه‌های دیگری از این شگفتی‌ها را بیان کنید.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۸

این همه شگفتی‌هایی که در جهان هستی وجود دارد، نشانه چیست؟ آیا می‌توان گفت تمامی این امور، به‌طور تصادفی به وجود آمده و کسی آنها را نساخته است؟ یا اینکه...
خدای مهربان برای اینکه بیشتر به اطراف خود دقت کنیم، می‌فرماید:

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ
وَالِى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ
وَالِى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ
وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ
فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ
آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟
و به آسمان که چگونه برافراشته شده است؟
و به کوه‌ها که چگونه پا برجا و استوار شده‌اند؟
و به زمین که چگونه گسترده گشته است؟
پس تو [ای پیامبر] تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای.

اگر انسان با دقت به نظم شگفت‌انگیز جهان و تمامی مخلوقات بنگرد فقط به یک نتیجه خواهد رسید که این نظم‌های شگفت‌انگیز و بی‌نظیر، قطعاً ناظمی داشته است و این ناظم کسی نیست جز خداوند دانا و توانا.

هدف آفرینش

کمی فکر کنید؛ آیا ممکن است خداوند دانا و حکیم ما، این جهان زیبا و شگفت‌انگیز را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد؟

به نظر شما هدف از این آفرینش شگفت‌انگیز چیست؟

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال می‌فرماید:

خداوند تمام آنچه را که در زمین است برای شما آفریده است تا درباره
آنها بیندیشید و با استفاده از آنها به بهشت راه یابید و خودتان را از عذاب
دوزخ برهانید.^۱

خداوند مهربان که از هر کسی نیازهای ما را بهتر می‌داند، این جهان را طوری آفریده است که ما بتوانیم به بهترین شکل در آن زندگی کنیم. او به ما چشم داده است تا با دقت به نشانه‌های علم

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲

۱. سوره غاشیه، آیات ۱۷ تا ۲۱

و قدرت‌اش نگاه کنیم، و به ما عقل داده است تا درباره آنچه می‌بینیم فکر کنیم و از دنیای پیرامون خود درس خدانشناسی بیاموزیم.

او دنیا را پر از نعمت‌ها و زیبایی‌هایش کرده است تا بدانیم چقدر ما را دوست دارد؛ پس ما نیز او را دوست بداریم و از او اطاعت کنیم. این همان راهی است که نتیجه‌اش رسیدن به بهشت زیبای خداست.

بیشتر بدانیم

ضخیم ترین زره دنیا

تا حالا یک زره را از نزدیک دیده‌ای؟ می‌دانی زره‌ها را از چه می‌سازند؟

فکر می‌کنی بزرگ‌ترین زره دنیا چقدر ضخامت دارد؟ ده سانتی‌متر؟ نیم متر؟ یک متر؟

ضخیم‌ترین زره دنیا، جو زمین است که ده‌ها کیلومتر ضخامت دارد. این زره که از جنس بسیار لطیف (هوا) تشکیل شده است، آن‌چنان محکم و نفوذناپذیر است که هر موجود مهاجمی را قبل از رسیدن به زمین نابود می‌کند.

شهاب‌سنگ‌ها گروهی از این مهاجمان هستند که با سرعت اعجاب‌آور پنجاه کیلومتر در ثانیه (یعنی صدبرابر سرعت گلوله) در فضا حرکت می‌کنند. به گفته دانشمندان، این سرعت باعث می‌شود که در یک سنگ بسیار کوچک آسمانی، نیرویی معادل انرژی یک بمب اتمی نهفته گردد. به همین دلیل است که آنها با هر جسمی برخورد کنند، انرژی فوق‌العاده‌ای را آزاد می‌کنند و منفجر می‌شوند.

اهمیت جو زمین وقتی برای ما معلوم می‌شود که بدانیم در هر شبانه‌روز، چندین هزار شهاب‌سنگ ریز و درشت با جو زمین برخورد می‌کنند و قبل از رسیدن به سطح زمین منفجر و به گاز و بخار تبدیل می‌شوند.

این تنها بخشی از مأموریت زره دفاعی زمین است. اتمسفر (یا جو زمین) علاوه بر سنگ‌های آسمانی، اشعه‌های مرگبار کیهانی، اشعه مادون قرمز و جریان‌های مغناطیسی شدید فضایی را نیز قبل از رسیدن به زمین خنثی می‌کند و خطرهای بزرگ دیگری را از ساکنان زمین دور می‌کند.

می‌توانی حدس بزنی اگر این زره مقاوم، زمین را نپوشانده بود، چه اتفاقی در انتظار ساکنان زمین بود؟

حالا بهتر می‌توانیم معنی این کلمات نورانی خداوند را دریابیم که می‌فرماید:

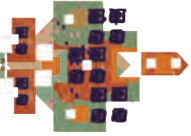
و آسمان را سقفی نگاهدارنده قرار دادیم،

ولی آنها از [تفکر در] نشانه‌های آن [آسمان] رویگردانند.^۱

و جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْهُاً مَّحْفُوظاً

وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ.^۱

۱. سوره انبیاء، آیه ۳۲ - ۲. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۰۰ (برای اطلاع بیشتر درباره اتمسفر زمین می‌توانید به وبگاه دانشنامه فضایی ایران www.isa.ir مراجعه کنید.)



۱- از نظم شگفت‌انگیز جهان و مخلوقات درون آن، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۲- با توجه به سخن حضرت علی علیه السلام توضیح دهید که خداوند آنچه در زمین است را با چه هدفی برای انسان خلق کرده است.

پیشنهاد

متن زیر را با دقت بخوانید :

... به بدن کوچک مورچه بنگرید! خلقتش آن‌چنان لطیف است که چشم آن را در نمی‌یابد و عقل آن را درک نمی‌کند، ببینید چگونه روی زمین به راه می‌افتد و برای به‌دست آوردن روزی خود، تلاش می‌کند و دانه‌هایی را که به لانه‌اش می‌برد در جایگاهی مخصوص نگه می‌دارد...

خداوند هرگز از او غافل نمی‌شود و از بخشش محروم نمی‌سازد، حتی اگر در دل سنگی سخت یا صخره‌ای خشک به سر برد...

اگر درباره‌ی دستگاه گوارش و درون شکمش فکر کنی و یا به چشم و گوشی که در سر دارد اندیشه کنی آن‌چنان از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد که از توصیف او به زحمت خواهی افتاد...

اگر اندیشه‌ات را به کارگیری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده‌ی مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست؛ همان کسی که آفرینش همه‌ی موجودات سنگین و سبک، و بزرگ و کوچک، و نیرومند و ضعیف برایش یکسان است.^۱



آنچه خواندیم بخشی از گفتار امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در توصیف شگفتی‌های خلقت مورچه است. شما نیز می‌توانید درباره‌ی یکی دیگر از آفریده‌های خداوند تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

الهی

تو را سپاس که مرا به دنیا آوردی؛
و از شیر گو را را غذایم دادی؛
و دل مادران را با من مهربان کردی؛
و آن زمان که در گهواره، طفلی ضعیف بودم، از من محافظت کردی؛
و هر سال که بر من گذشت، بر رشد من افزودی؛
و از خوراک و پوشاک کوناگون بهره مند ساختی؛
و آن زمان که رشد یافتم، پاسکاری را به من آموختی؛
الهی،

چگونه نعمت هایت را بشمارم، و بخشش هایت را سپاس گویم،
در حالی که نعمت هایت، بیش از آن اندک که به شمارش در آیند!

تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت سخن بگو.

.....
.....
.....

آم‌زندهٔ پرده‌پوش

مدت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و خشکسالی و قحطی زندگی را سخت کرده بود. مردم که با توجه به هشدارهای پیامبرشان فهمیده بودند همهٔ مشکلات به خاطر گناهان خودشان است، همگی نزد پیامبرشان رفتند:

— ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد؛ چه کنیم؟
— زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای درخواست بخشش از خداوند و نماز باران از شهر بیرون برویم ...

همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشتهٔ وحی نازل شد:
— در میان مردم کسی هست که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، او هنوز توبه نکرده است. تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود.



گویا خداوند می‌خواست همهٔ مردم توبه کنند و از گناهان پاک شوند. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت.

آن فرد گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند او کیست. اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت، آبرویش پیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند. احساس کرد خیلی تنه‌است. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمانش فرو چکید: خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم.

مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. هیچ کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟ پیامبر خدا همین موضوع را از خداوند پرسید.

— ای پیامبر ما، او دیگر گناهکار نیست. بندهٔ ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت.

— خداوندا، او را به من معرفی کن تا حداقل او را بشناسم!

— آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، اکنون که بازگشته و دوست و بندهٔ ما شده است

آبرویش را ببریم؟



یکی از نام‌های خداوند بلند مرتبه «غَفَّار» است؛ یعنی بسیار آمرزنده.

خداوند تمامی گناهان هر کسی را که پشیمان شده باشد و بخواهد راه درستکاری و تقوا را در پیش بگیرد می‌آمرزد؛ همان‌طور که در قرآن کریم می‌فرماید:

بگو: ای بندگانم

که بر خود زیاده‌روی روا داشته‌اید

از رحمت خداوند نومید نشوید؛

زیرا خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد

که او خود آمرزندهٔ مهربان است.*

قُلْ يَا عِبَادِيَ

الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ

لَا تَتَنَطَّوْا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

۱. سورهٔ زمر، آیه ۵۳ * آیه با ترجمه حفظ شود.

خداوند به همه گناهکاران وعدهٔ آمرزش داده است. خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک، بلکه همه گناهان و حتی اشتباهات متعدّد بندگان را نیز می‌آمرزد. فقط کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شود و تصمیم به ترک آن بگیرد و اعمال شایسته انجام دهد (البته روشن است که اگر حق الناس بر عهدهٔ کسی باشد، برای توبه کردن، پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران کند.^۱) در این صورت خداوند وعدهٔ قطعی داده است که حتماً او را می‌بخشد.

و به یقین من آمرزندهٔ کسی هستم که
توبه کند و ایمان بیاورد
و کار شایسته انجام دهد
و سپس هدایت شود.

وَ اِنِّي لَعَفَّارٌ
لِمَنْ تَابَ وَ اَمَنَ
وَ عَمِلَ صَالِحًا
ثُمَّ اهْتَدَى^۲



با توجه به آیات بالا توضیح دهید اگر خداوند غفار نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ غفار بودن خدا چه تأثیری در زندگی مردم دارد؟

انسان‌های الهی

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به‌طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حق شما را ضایع کند، یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟ برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم فقط از اشتباهات کوچک دیگران، چشم‌پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند. به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگان را بیشتر دوست دارد؟ خداوند همان‌طور که خود بسیار آمرزنده است، بندگان را نیز دعوت به بخشش خطاهای دیگران می‌کند. کسانی که دیگران را به خاطر خطاهایشان می‌بخشند در واقع رنگ و بوی این صفت الهی را به خود می‌گیرند. با گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها خداوند خشنود می‌شود، بلکه به سبب آن، خداوند از گناهان ما نیز می‌گذرد و ما را می‌بخشد.

۱. برخی از نمونه‌های حق الناس در درس پانزدهم بیان شده است.

۲. سوره طه، آیه ۸۲

... وَ لِيَعْفُوا

وَ لِيَصْفَحُوا

أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

[مؤمنان] باید عفو و گذشت پیشه کنند

و [از یکدیگر] درگذرند.

آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را ببامرزد؟

و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.*



در جامعه‌ای که هیچ‌کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمره زندگی با هم مقایسه کنید.

عفو و گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها موجب خشنودی خداوند می‌شود و انسان را از رحمت بیشتر الهی بهره‌مند می‌کند، بلکه او را در میان مردم نیز عزیز و سربلند می‌سازد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران، با انتقام و تنبیه، خود را آرام می‌کند، به زیان خودش عمل می‌کند.
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

اهل گذشت باشید، بی‌تردید عفو و گذشت، بنده را عزیز و سرافراز می‌گرداند. پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و سرافراز گرداند.^۲

البته زمانی که فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است و از انجام آن پشیمان شده و یا از روی جهالت و نادانی ظلمی به ما کرده است، گذشت ما موجب اصلاح رفتارش می‌شود اما توجه داریم که در مواردی خطاهای دیگران را نباید نادیده گرفت؛ چشم‌پوشی از رفتار کسانی که اشتباهات خود را نمی‌پذیرند و تصمیمی برای ترک آنها ندارند، موجب می‌شود جسارت آنان بیشتر شود و فرصتی برای اصلاح رفتار خود نیابند.

۱. سوره نور، آیه ۲۲ * آیه با ترجمه حفظ شود. ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ کنز العمال، ۷/۱۲

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید:

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است.	مواردی که نباید از خطای افراد چشم پوشی کرد.
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است.	
	اصلاً کار خودش را خطا نمی‌داند.
بخشش، باعث راهنمایی او می‌شود.	
	بخشش، باعث بی‌ادبی افراد نادان می‌شود.

گذشت زیبا

محکم و استوار قدم برمی‌داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می‌کرد. اندام ورزیده و چهره آفتاب سوخته‌اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش مانده بود، به او ابهت خاصی می‌بخشید.

در شلوغی بازار، چند نفر با هم مشغول گفت‌وگو بودند. در این میان،

فردی که کارش خنداندن دیگران بود، مشتکی زباله برداشت، چشمش که به او افتاد، زباله‌ها را به طرفش پرتاب کرد؛ صدای خنده آنها توجه دیگران را نیز جلب کرد.

زباله‌ها روی شانه مرد بلند قامت ریخت و لباس و بدنش را آلوده کرد. گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می‌داد که سخت عصبانی است. او سر جایش



ایستاد و انگشتانش را در مشتش فشرد، اما پس از مدتی کوتاه برخلاف انتظار حاضران که دعوایی سخت را پیش‌بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راهش را در پیش گرفت و از آنان دور شد.

یکی از آنان گفت: خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد...

— او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر دعوایی هم پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد.

یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رساند و گفت:

هیچ می‌دانید به چه کسی توهین کردید؟

— او هم یکی بود مانند هزاران عابری که هر روز از اینجا می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر از بقیه بود.

— اگر او را شناخته بودید، این‌گونه نمی‌خندید، او فرمانده لشکر اسلام، مالک اشتر بود!

ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار جمع پدید.

— همان مالک اشتر معروف که نامش دل شیر را آب می‌کند؟ همان که پهلوانان دشمن از شنیدن

نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت:

— وای بر من! چه حماقتی کردم! الآن دستور خواهد داد مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید

بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد...

به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. مالک وارد مسجدی شد. او نیز آرام و با ترس و لرز وارد

مسجد شد. مالک اشتر به نماز ایستاد. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نمازش تمام شود.

مرد با سرافکنندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت: من همان کسی هستم که

در بازار به شما بی‌ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف‌نظر کنید.

مالک جواب داد: اشتباه می‌کنی. به خدا سوگند، من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم.

وقتی دیدم تو بی‌دلیل مردم را آزار می‌دهی، دلم برایت سوخت. فهمیدم که متوجه زشتی کار خودت

نیستی. برای همین به مسجد آمدم تا دعا کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه راست هدایت کند.^۱



۱- غفّار یعنی چه؟ چرا خداوند با این صفت شناخته می‌شود؟

۲- گذشت از خطاهای دیگران چه فایده‌ای برای انسان دارد؟

۳- توضیح دهید با چه شرایطی گذشت از خطاهای دیگران شایسته است.

الهی

ای نهایت آرزوها و درخواست هایم،
و ای کسی که دودست خویش را به رحمت باز کرده ای،
تا هر کنا هکاری در آغوش رحمتت جای گیرد،
برای کنا هانم جز تو آمرزنده ای نیافتم،
و برای شکست هایم غیر تو جبران کننده ای ندیدم،

الهی،

کنا هانم را ببخش، که نابود کردند.
و خطاهای پنهانی ام را پوشان که رسوا کننده اند.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل دوم

معاد

در کتاب «پیام‌های آسمان» سال هفتم، در درس «تلخ یا شیرین» دانستیم که چگونه انسان‌ها می‌توانند با شیوه زندگی‌ای که در این دنیا انتخاب می‌کنند، زندگی در جهان آخرت را شیرین یا تلخ سازند.

همچنین در درس «عبور آسان» با کارهایی که انجام یا ترک آنها می‌تواند مرگ را آسان یا سخت سازد آشنا شدیم. امسال در موضوع معاد فرامی‌گیریم که :

درس سوم (همه چیز در دست تو) : تمام کارهایی که ما در این دنیا انجام می‌دهیم، چه خوب و چه بد، تأثیر مستقیم در بهشتی یا جهنمی شدن ما در آن جهان دارد. ما می‌توانیم با تک‌تک کارهایی که انجام می‌دهیم، بهشت زیبا را برای زندگی همیشگی بسازیم و یا با برخی کارها برای خود آتشی در جهنم فراهم کنیم. در این درس با کارهایی که بهشت یا جهنم را می‌سازند آشنا می‌شویم.

همه چیز در دست تو...

کسی را سراغ داری که هر چه به او بسپاری، ده برابرش را به تو برگرداند؟
 هفتاد برابر؟
 هفتصد برابر؟
 بی اندازه و بی پایان چطور؟
 اگر کمی دقت کنی، حتماً او را می‌شناسی.



غیر قابل تصور

سرزمینی به وسعت تمام آسمان‌ها و زمین، پوشیده از باغ‌های بزرگ و قصرهای باشکوه و زیبا. رودهایی از شیر و عسل و آب زلال که به جای سنگریزه و خاک در آنها دانه‌های مروارید غلطان است. اینجا بهشت است، پاداش خداوند به نیکوکاران!
 درهای بهشت گشوده می‌شود و فرشتگان خوش آمدگویان به استقبال مؤمنان می‌آیند.
 اینجا از بیماری، ترس، اندوه و خستگی خبری نیست.
 خدمتکاران مؤدب و زیبا در کمال احترام از شما با غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های بهشتی پذیرایی می‌کنند. اینجا هر میوه‌ای که شما بخواهید وجود دارد. همین که در دلتان قصد می‌کنید میوه‌ای را بخورید، آن درخت شاخه‌هایش را پایین می‌آورد و میوه‌هایش را دسترس شما قرار می‌دهد.
 نیکوکاران در بهشت به دیدار یکدیگر رفته و با پیامبران، امامان و نیکوکاران همنشین‌اند. آنها با لباس‌های حریر بر روی تخت‌های زیبایی در کنار هم نشسته و با مهربانی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.
 اینها فقط گوشه‌ای از نعمت‌های بی‌شمار خداوند به نیکوکاران است. آنچه شیرینی این نعمت‌ها را برایشان بیشتر می‌کند این است که هیچ‌گاه نعمت‌های بی‌پایان خداوند از آنها گرفته نخواهد شد و آنان همان‌گونه که خودشان آرزو دارند، تا ابد در بهشت خواهند ماند.

خداوند مهربان دربارهٔ وسعت نعمت‌های بهشت می‌فرماید :

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ^۱

در آنجا هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است و البته [آنچه] نزد ماست بیشتر [از خواسته‌های آنها] است.





آنچه خواندیم، بخشی از توصیف‌های قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ بهشت است. علاوه بر نعمت‌هایی که گفته شد، دوست دارید خداوند در بهشت چه نعمت‌های دیگری به شما بدهد؟

بهشت‌آفرینان

اما این همه پاداش در برابر چیست؟

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

در بهشت فرشتگانی را دیدم که با خست‌هایی از طلا و نقره قصری می‌ساختند. آنها گاهی دست از کار می‌کشیدند و بعد از مدتی دوباره شروع به ساختن می‌کردند.

از آنان پرسیدم: چرا ناگهان دست از کار می‌کشید؟
گفتند: وقتی مصالح ساختمانی ما تمام می‌شود، دیگر نمی‌توانیم کار کنیم. پس منتظر می‌شویم تا دوباره برای ما مصالحی بفرستند.



پرسیدم : مصالح کار شما چیست؟
گفتند : هنگامی که مؤمنی در دنیا می‌گوید : «سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اكبر» این کلمات او در این جهان تبدیل به
خشت‌های طلا و نقره می‌شود و ما برای او با این خشت‌ها قصر
می‌سازیم^۱ و هرگاه گفتن این کلمات را قطع کند، مصالح ما نیز تمام
می‌شود.^۲

بنابراین نعمت‌های بهشت به دست خود انسان‌ها به بهشت فرستاده می‌شود. آنها با اعمال
صالحی که در دنیا انجام می‌دهند، این نعمت‌ها را برای زندگی خود در بهشت ذخیره می‌کنند. خداوند
مهربان هم تلاش آنها را می‌بیند، برای قدردانی از آنها پاداششان را ده‌ها و گاهی صدها برابر می‌کند و
چنین هدایای ارزشمندی را در بهشت به آنان می‌بخشد. در حقیقت نعمت‌های بهشت، نتیجه اعمال
نیک انسان‌ها در دنیا و لطف و بخشش فراوان خداوند به آنها در آخرت است.



اما بیرون از بهشت، در قعر دره‌ای بسیار عمیق :
آتش از هر سو زبانه می‌کشد. ستمکاران مغرور مانند هیزم، آتش می‌گیرند و می‌سوزند. اینجا
زندان آنهاست، جهنم.
فریادهای گوش‌خراش جهنمیان و صدای مهیب آتش، از فاصله‌های دور، هر دلی را از ترس
می‌لرزاند. ستمگرانی که در دنیا مؤمنان را آزار می‌دادند، اینجا با صورت‌های سیاه و زشت در میان
آتش به دنبال آب و غذا می‌گردند؛ اما نه آبی هست و نه غذایی.
این سرانجام کسانی است که به خدا و فرستادگانش ایمان نداشتند و روز قیامت را انکار
می‌کردند. ستمکارانی که مردم را اذیت می‌کردند و از هیچ گناهی روی نمی‌گرداندند.



به نظر شما چرا جهنمیان در جهنم عذاب می‌شوند؟

۱. البته تنها این ادکار نیستند که بهشت ما را می‌سازند؛ بلکه کارهای نیک هم مانند این ذکر نورانی باعث جلب رحمت و پاداش خداوند در
بهشت می‌گردند. ۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۸۸.

دوزخ آفرینان

این عذاب‌ها همان کارهای زشتی است که دوزخیان از دنیا برای خودشان پیش فرستادند. هریک از این زشتی‌ها به صورت غذایی دردناک درمی‌آید و به نزد صاحبش بازمی‌گردد؛ مثلاً کسی که در دنیا همیشه با زبانش دیگران را آزار می‌دهد، در جهنم همواره در محاصرهٔ مارها و عقرب‌های گزنده‌ای قرار دارد که خودش آنها را به وجود آورده است.

پس باید گفت: جهنم را نیز خود جهنمیان با اعمال خود به وجود آورده‌اند.

به محض ورود کسی به جهنم، جهنمیان با ناسزا و نفرین به استقبال او می‌روند. گروهی از آنها به گروهی دیگر که در دنیا با یکدیگر دوست بودند می‌گویند: شما در دنیا ما را گمراه کردید، پس باید عذاب ما را هم به دوش بکشید. آنها می‌گویند: ما که شما را مجبور نکرده بودیم. شما خودتان به دنبال ما می‌آمدید. ما عذاب خودمان را هم نمی‌توانیم تحمل کنیم.

سپس همگی به سراغ شیطان رفته و می‌گویند: تو بودی که همهٔ ما را گمراه کردی و به جهنم کشاندی. شیطان می‌گوید: «خداوند به شما وعده‌های راست داد و من وعده‌های دروغ. شما خودتان وعده‌های راست خداوند را کنار گذاشتید و وسوسه‌های دروغ مرا باور کردید. پس به جای سرزنش من، خودتان را سرزنش کنید...».

اینجاست که جهنمیان به فرصت‌های از دست رفته فکر می‌کنند و با حسرت و پشیمانی می‌گویند: «ای کاش، در دنیا با فلان شخص دوست نمی‌شدیم. ای کاش، اصلاً مشت‌های خاک بودیم و امروز چنین حالی نداشتیم. ای کاش، ایمان داشتیم و عمل صالحی انجام می‌دادیم...»^۱.
به راستی در این میان مقصر کیست؟



در قرآن کریم می‌خوانیم:

عده‌ای در روز قیامت می‌گویند: «اگر ما به پندهای پیامبران عمل می‌کردیم یا به نتیجهٔ کارهای خودمان می‌اندیشیدیم، اکنون در جهنم نبودیم».^۲
به نظر شما این افراد از کدام یک از نعمت‌هایی که داشته‌اند به درستی استفاده نکرده‌اند؟

۱. سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۲. ۲. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۲۸؛ سورهٔ نبا، آیهٔ ۴۰؛ سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۰۰. ۳. سورهٔ ملک، آیهٔ ۱۰.

بیشتر بدانیم

یکی از نام‌های روز قیامت، روز جزاست؛ یعنی روزی که هیچ کار نیک و بدی نادیده گرفته نمی‌شود و برای هر کاری - هر قدر هم کوچک باشد - پاداش یا مجازاتی مناسب آن کار در نظر گرفته می‌شود.

برای اینکه علت این نام‌گذاری را بدانید بهتر است به احادیث زیر توجه کنید:

- کسی که روزه می‌گیرد، روزه‌اش در روز قیامت به سیری تبدیل می‌شود که آتش را از او دور

می‌کند.^۱

- بهترین انسان‌ها در روز قیامت کسانی‌اند که به پدر و مادر خود خوبی کنند.^۲

- کسی که از کارهای بد دیگران گذشت کند و آنها را ببخشد، خداوند عذاب آتش را از او دور

می‌کند.^۳

- انسان متکبر و مغرور در روز قیامت، مانند مورچه‌ای کوچک محشور می‌گردد.^۴

- کسی که همسایه‌هایش را اذیت کند، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش را آتش قرار

می‌دهد.^۵

- نتیجهٔ دروغ گفتن، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است.^۶

همان‌طور که می‌بینیم وضعیت هر کسی در روز قیامت، متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده

است. بنابراین، همهٔ ما از همین حالا می‌توانیم با توجه به اعمال خود در این دنیا، وضعیتمان را در قیامت

پیش‌بینی کنیم.

راستی شما دوست دارید در آن روز چگونه باشید؟

۱. کافی، ج ۴، ص ۶۲. ۲. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ۱۳، ص ۴۱۴. ۳. تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ، ج ۲، ص ۱۲. ۴. کافی، ج ۲، ص ۳۱۱. ۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۴. ۶. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۶۷۷.



- ۱- عذاب‌های جهنم را چه کسی به وجود آورده است؟ توضیح دهید.
- ۲- وقتی گناهکاران اشتباهات خود را به گردن شیطان می‌اندازند، او چه پاسخی به آنها می‌دهد؟
- ۳- آیا نعمت‌ها و پاداش‌های همه بهشتیان مانند یکدیگر است؟ چرا؟

پیشنهاد

در قرآن کریم می‌خوانیم :

در روز قیامت، بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند : چه چیزی این‌گونه شما را به سوی جهنم کشانید؟ جهنمیان در پاسخ، چهار کار خود را برمی‌شمارند که به سبب آنها گرفتار عذاب شده‌اند. شما می‌توانید با مراجعه به سوره مدثر (آیات ۴۳ تا ۴۶) این سؤال و جواب را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

الهی

ای نور،

ای منزله از هر عیب،

ای آن که پیش از همه بوده ای و بعد از همه خواهی بود.

خداوندا، گناهامم را بیامرز؛

خدایا، بخش گناهامنی را که خشم تو را فرومی فرستد؛

خداوندا، بیامرز گناهامنی را که نعمت ها را تفسیر می دهد؛

خدایا، بیامرز گناهامنی را که دعاها را زندانی می کند؛

الهی، آن گناهان مرا بیامرز که بلاها را فرومی فرستد؛

خداوندا، همه گناهامم را بیامرز و از تمام خطاهایم درگذر!

تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل سوم

راهنماشناسی

سال گذشته در درس «پیامبر رحمت» با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آشنا شدیم و دانستیم که خداوند ایشان را برای تمام جهانیان به‌عنوان رحمت قرار داده است. در درس «الگوی فداکاری و عدالت» نیز با برخی ویژگی‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام یعنی شجاعت، علم، عدالت‌پروری و فداکاری آشنا شدیم و دانستیم که ایشان تمامی صفات اخلاقی و رفتاری اسلامی را در خود به بهترین شکل جمع کرده بود. همچنین در درس «برترین بانو» با صفات و رفتارهای حضرت زهرا سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهَا آشنا شدیم؛ صفاتی از قبیل حیا و عفت، توجه به خانواده، دفاع از حق، ایثار و بخشندگی و... در کتاب «پیام‌های آسمان» امسال در دو درس می‌آموزیم که:

درس چهارم (پیوند جاودان): اهل‌بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بعد از ایشان بهترین و عالم‌ترین هدایتگران مردم بودند. امامان معصوم بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسئولیت هدایت مردم در رساندن آنان به رستگاری را برعهده گرفتند. در این درس می‌آموزیم که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام چه توانایی‌ها و ویژگی‌هایی برای هدایت مردم داشتند و چگونه علم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آنان رسید.

درس پنجم (روزی که اسلام کامل شد): پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرین روزهای زندگی خود بار دیگر امیرالمؤمنین را به امامت بعد از خود انتخاب کرد. این انتخاب در جمع تعداد فراوانی از مسلمانان که از مناطق مختلف برای انجام مراسم حج آمده بودند، صورت گرفت. در این درس با واقعه بزرگ غدیر آشنا می‌شویم.

پیوند جاودان

روزی امام صادق علیه السلام به شاگردان خود تفسیر آیاتی از قرآن را می‌آموخت. هنگام غذا خوردن شد. بعد از تمام شدن غذا برخی گفتند تاکنون غذایی به این لذیذی و پاکیزگی نخورده بودیم. یکی از حاضران گفت: در روز قیامت بر اساس آیه

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ^۱

پس در آن روز دربارهٔ نعمت از شما سؤال خواهد شد.

از این غذایی که نزد فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوردیم از ما سؤال خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند کریم‌تر و شأنش بالاتر از آن است که طعامی به بنده‌اش بدهد و آن را برایش حلال و گوارا سازد، آن‌گاه از آن بازخواست نماید؛ بلکه منظور از نعیم در این آیه، نعمت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است که به شما ارزانی داشته است.^۲ در روز قیامت دربارهٔ نعمت ولایت ما اهل بیت از شما سؤال خواهد شد.^۳



به نظر شما علت تأکید قرآن بر نعمت

اهل بیت چیست؟

۱. تفسیر قرآن: بیان و آنسکار کردن معنای آیات قرآن کریم.

۲. سورهٔ نکات، آیهٔ ۸.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۴. تفسیر برهان، ج ۵، ص ۷۴۶.





در قرآن کریم تمامی چیزهایی که برای رستگاری انسان در دنیا و آخرت مورد نیاز است، گنجانده شده است و هر کس به این معجزه جاویدان پیامبر اکرم ﷺ مراجعه کند، می تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره ببرد.

اما آیا همه انسان ها می توانند به عمق علوم و معارف عمیق قرآن دست یابند؟ خداوند حکیم، پیامبر اکرم ﷺ را اولین معلم قرآن قرار داد؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می داند که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. پیامبر اعظم برای انجام رسالت مهمی که بر عهده داشت، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم زمان خود پرداخت. مردم هر سؤالی داشتند از پیامبر رحمت می پرسیدند و هیچ گاه دچار حیرت و سرگردانی نمی شدند.

اما مردمی که پس از وفات رسول خدا به دنیا می آیند، چگونه باید راه رستگاری خود در دنیا و آخرت را پیدا کنند؟ خداوند برای راهنمایی آنان - که اتفاقاً جمعیتشان از مردم زمان پیامبر اعظم به مراتب بیشتر است - چه تدبیری اندیشیده است؟



تربیت معلمان آینده

رسول خدا از ابتدای بعثت، به دستور خداوند برنامه کامل و دقیقی برای هدایت مردم طراحی کرده بود که حتی سعادت انسان های پس از خود را نیز تضمین می کرد. این برنامه عبارت بود از تربیت معلمان ویژه برای فهم و آموزش معارف عمیق قرآن.

فکر می کنید چه کسی می توانست شایسته ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خدا باشد؟ بهترین فرد برای این جایگاه، کسی بود که از کودکی در آغوش پر محبت پیامبر خدا پرورش یافته بود، همان کسی که از هر کس دیگری به پیامبر نزدیک تر بود و از کودکی در اثر تربیت کامل پیامبر از علوم الهی برخوردار شده بود.

امیرمؤمنان در این باره می فرماید :

من از کودکی با رسول خدا بودم و او هر روز، دری از علم به رویم
می گشود و اخلاق و آداب نیک را برایم آشکار می ساخت و دستور
می داد پیوسته از او پیروی کنم.^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

هیچ آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر اینکه آن را برای من قرائت می‌کرد. او می‌خواند و من با خط خودم آن را می‌نوشتم و سپس تفسیر و تأویل آن آیه را به من می‌آموخت و از خداوند درخواست می‌کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند.

پس هرچه از حلال، حرام، امر، نهی و اتفاقات گذشته و آینده که خداوند به او آموخته بود، همه را به من آموخت و من آنها را حفظ

کردم و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.^۲

پیامبر خدا اسرار و نکات عمیق قرآن را به حضرت علی علیه السلام آموخت تا پس از رحلت ایشان، مردم بتوانند با کمک امیر مؤمنان و امامان پس از ایشان از آموزه‌های قرآن بهره‌مند گردند و با استفاده از این آموزه‌ها بر مشکلات خود غلبه کنند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

روزی رسول خدا به من فرمود: ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.

گفتم: ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟

فرمود: نه، بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو نیز هست، برای آنها بنویس.

آن‌گاه رسول خدا به پسر من حسن اشاره کرد و فرمود: اولین اینها، حسن است. سپس نگاهی به حسین کرد و فرمود: دومین آنها حسین

است و بقیه از فرزندان حسین هستند.^۳

اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می‌فرمود:

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانها را در میان شما باقی می‌گذارم. تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد:

یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق

شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می‌کنید.^۴*

۱. تأویل قرآن: بیان مقصود واقعی خداوند از آیات قرآن کریم. ۲. کافی، ج ۱، ص ۶۴. ۳. منابع المودة، ص ۲۲. ۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۲-۶۶۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۵۹، ۲۶. *حفظ شود.

این سخن رسول خدا که بعدها به حدیث ثقلین مشهور شد، نشان می‌دهد که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، پناه بردن به قرآن و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است و رها کردن هر یک از این امانت‌های ارزشمند الهی، نتیجه‌ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.



آیات زیر را با دقت بخوانید:

<p>این قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [= دست یابند] خداوند فقط می‌خواهد بلیدی و گناه را از شما اهل بیت [پیامبر] دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.</p>	<p>۱- إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ^۱ ۲- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا^۲</p>
---	---

این آیات را کنار هم قرار دهید و درباره پیامی که از آنها در می‌یابید در کلاس گفت‌وگو کنید.



- ۱- چرا خداوند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اولین معلم قرار داد؟
- ۲- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت مردم بعد از خود چه برنامه‌ای طراحی کرده بود؟
- ۳- حدیث ثقلین را بنویسید.

۱. سوره واقعه، آیات ۷۷ تا ۷۹. ۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

بیشتر بدانیم

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدّم است و حدیث جدّم، حدیث امام حسین است و حدیث امام حسین، حدیث امام حسن است و حدیث امام حسن، حدیث امیرمؤمنان علیه السلام است و حدیث امیرمؤمنان، حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله است و حدیث رسول الله، کلام خداوند عزّوجل است.^۱

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲.

الهی

خدایا،

یاری ام کن تا از اهل بیت پیامبر علیهم السلام پیروی کنم،
آنان که بندگان خوب تو، ستون های دین تو و رازداران وحی تو اند.

خدایا،

خوب می دانم که راه زندگی ام، راهی بس دراز و پرپیچ و خم است،
توفیقم ده تا با پیروی از امامان، در صراط مستقیم کام کنم،
و از فرو افتادن در چاه ها و پرتگاه ها در امان بمانم،

ای بهترین هدایت کننده،

که امامان را از هر ناپاکی پاک گرداندی

محبت آنان را نصیب دل من کن

و آنان را از من راضی گردان

و لگلم کن تا در راه رضای آنان، که رضای توست، بگو شوم.

روزی که اسلام کامل شد

رسول اعظم ﷺ هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می فرستاد، یکی از آنان را سرپرست گروه قرار می داد تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ‌هایی که خود حضور نداشت نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کرد تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد. حتی زمانی که برای مدت چند روز می خواست به سفر برود، فردی را تعیین می کرد تا در غیاب او به اداره امور مسلمانان بپردازد.

حالا کمی فکر کنیم؛

پیامبر خدا که در زمان حیات خود، مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون راهبر رها نماید و جانشینی برای خود تعیین و معرفی نماید؟

مهم ترین پیام

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده‌اند. این دستور پیامبر خداست که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند. در هنگام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آنچه از همه عجیب‌تر است، حالت خود پیامبر است. گویی نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است...



مناسک حج تمام می‌شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می‌شوند. چند روزی در بیابان‌های خشک و سوزان راه می‌روند تا به غدیر خم می‌رسند. جایی که مسیر کاروانیان از هم جدا می‌شود.

۱. مناسک حج: عبادات و اعمال مربوط به حج.



در این هنگام جبرئیل امین نازل می‌شود :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ

بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۱

ای پیامبر،

آنچه را از طرف پروردگارت بر تو

نازل شده است، [به مردم] برسان!

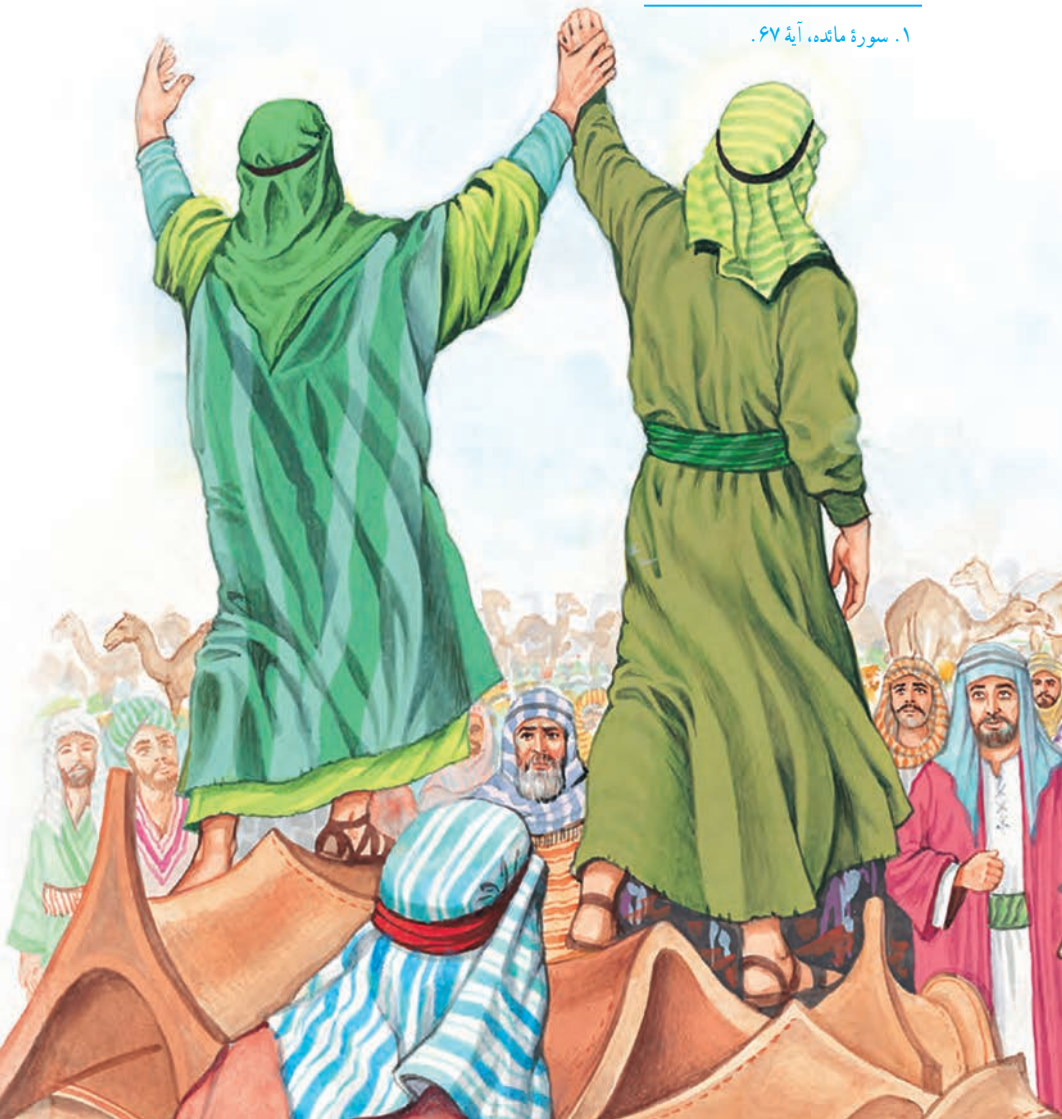
و اگر چنین نکنی،

رسالت او را انجام نداده‌ای!

و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می‌دارد.

آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.



این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال، با سختی و مشقت تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. و در این راه، نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خبر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.

رسول خدا دستور می‌دهد همه کاروانیان از شترها پیاده شوند!

«صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگوئید همه برگردند!»

مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند؛

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا روی مکان بلندی می‌ایستد.

سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود...

«ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد.

بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم. ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم؛ تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که پس از

من با این دو چگونه رفتار می‌کنید».

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

«ای مردم، تاکنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبودم؟ آیا من ولی و راهبر شما نبودم؟»

همه جواب می‌دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولی و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه السلام را بالا می‌آورد و با صدایی بلند و رسا می‌فرماید:

«آگاه باشید، هرکس که من ولی و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم اکنون

این علی سرپرست و ولی اوست. خداوندا، هرکس ولایت علی را

پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده؛

خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش»^۱.

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می‌کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته‌اند نیز برسد.

رسول اکرم در پایان سخنانشان می‌فرماید:

«آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟»

مردم می‌گویند: بله ای رسول خدا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند».

سخنان ایشان که تمام می‌شود، مسلمانان گروه گروه پیش می‌آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می‌گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه السلام را به ایشان تبریک می‌گویند و او را مولای خود می‌نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی‌شد. او این پیام مهم الهی را در حضور ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه السلام باقی نماند. هنوز جمعیت از اطراف علی علیه السلام پراکنده نشده‌اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می‌آورد:

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸ تا ۲۵۱.

... اليَوْمِ

امروز،

يَسِّرَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ

کافران از [نابودی] دین شما مایوس شده‌اند.

فَلَا تَخْشَوْهُمْ

پس از ایشان مترسید

وَ اَخْسَوْنِ

و از [مخالفت با] من بترسید!

اليَوْمِ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ

امروز، دین شما را برایتان کامل کردم،

وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي

و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم،

وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا. ۱

و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاویدان] برگزیدم.

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (شیعه و سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود نداشته و ندارد.

بهترین انتخاب

در ماجرای غدیر، انتخاب حضرت علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند.

حالا اگر این انتخاب توسط خداوند انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر، خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟

بی‌تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشد^۲ و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد کسی جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نبود.

جانشینی حضرت علی علیه السلام در روز غدیر، موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او نمی‌تواند رهبری مردم را بر عهده بگیرد، و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

۱. سوره مائده، آیه ۳. ۲. در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همه آنها حضرت علی علیه السلام است.



کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا ﷺ در این روز فکر کنید! اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان برایشان سخن می‌گویند و از آنها می‌خواهد همه آنچه را شنیده‌اند برای بقیه مسلمانان بازگو کنند.

به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟

با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفت‌وگو کنید.



- ۱- پیامبر اکرم ﷺ، در روز غدیر خم، درباره امیرالمؤمنین علیؑ چه فرمود و ایشان را به چه مقامی منصوب کرد؟
- ۲- چرا در روز غدیر خم، کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟
- ۳- چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرمؤمنان علیؑ شایسته رهبری بر مسلمانان بودند؟

بیشتر بدانیم

بزرگ‌ترین عید

مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعه مهم، به دیدار سیدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت علیهم‌السلام نیز در میان مؤمنان روز عید به شمار رفته است.

شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟
امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

—: کدام عید؟!

—: همان روزی که پیامبر خدا، حضرت علی علیه‌السلام را به ولایت منصوب کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ هر که من مولای اویم، این علی ولی و رهبر اوست.

—: این کدام روز است؟

—: روز هجدهم ماه ذی‌حجه.

—: در این روز انجام چه کاری شایسته‌تر است؟

—: در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفت‌وگو درباره فضیلت‌های محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خدا را یاد کنید. رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد...^۱

موضوع ولایت حضرت علی علیه‌السلام و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب‌هایی درباره این موضوع واداشته است.

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که توسط علامه امینی در یازده جلد، تألیف شده است. ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از راویان شیعه و سنی را نام می‌برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده‌اند.

وی در بخش‌های دیگر کتاب خود، از بسیاری از نویسندگان و دانشمندان شیعه و سنی در قرن‌های مختلف نام می‌برد که یا کتاب‌های مستقلی درباره این موضوع نوشته‌اند، یا بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

الهی

خدایا،

مرا همواره دوستدار پیامبرت محمد ﷺ
و جانشین او، امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار ده؛
او که از کودکی نزد پیامبر رحمت بزرگ شد
و راه و رسم او را کامل فراگرفت.

خدایا،

بر امیرالمؤمنین درود فرست و دوستی با او را در دلم بنشان
و مرا از پیروان و شیعیان واقعی او قرار ده
و توفیق زیارت مرقد نورانی اش را نصیبم فرما.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل چهارم

راه و توشه

در سال‌های گذشته، در کتاب «هدیه‌های آسمان» و «پیام‌های آسمان» مطالب فراوانی درباره احکام نماز، روزه، حجاب و... آموختیم. در ادامه مطالب گذشته، در این کتاب دو درس درباره احکام داریم:

درس ششم (نردبان آسمان) : در درس «ستون دین» پیام‌های آسمان هفتم، با واجبات (ارکان و غیرارکان) نماز آشنا شدیم. همچنین در درس «نماز جماعت» با احکام نماز جماعت و جمعه نیز آشنا شدیم. در این درس با برخی از آداب نماز از قبیل خواندن اذان و اقامه، نماز خواندن در مسجد و نیز با شرایط نماز صحیح آشنا می‌شویم.

درس هفتم (یک فرصت طلایی) : در این درس می‌آموزیم که روزه گرفتن چه فرصت ارزشمندی در جهت ساختن شدن روح و جسم انسان است و شایسته است به روزه به‌عنوان یک فرصت طلایی نگاه کنیم. همچنین، در این درس با آثار روزه و اموری که موجب باطل شدن روزه می‌شود نیز آشنا می‌شویم.

نردبان آسمان

۶

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید :

«ای مردم، مراقب نمازهایتان باشید و خودتان را با نماز به خدا نزدیک کنید. آیا نمی شنوید که وقتی از دوزخیان می پرسند چه چیزی شما را به دوزخ کشانید، می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»؟ به درستی که نماز، گناهان را مانند برگ های پاییزی فرو می ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن ها می گشاید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد؛ پس هرگز آلودگی در بدن او باقی نمی ماند».^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

در میان احکام اسلامی هیچ موضوعی به اندازه نماز مورد تأکید و سفارش پیشوایان دین قرار نگرفته است. این عبادت بزرگ از چنان اهمیتی برخوردار است که در سخنان معصومین از آن به عنوان «ستون دین» و «سد محکمی در برابر شیطان» یاد شده است و ترک آن می‌تواند انسان را به مرز هولناک کفر و بی‌ایمانی بکشاند.

اما باید ببینیم هر نمازی می‌تواند باعث بالا رفتن ما به سوی خدا شود؟
ما چگونه نماز بخوانیم تا مورد توجه بیشتر خداوند قرار گیرد؟

آداب نماز

سال گذشته با برخی آداب نماز آشنا شدیم.

به جا آوردن نماز در اول وقت، برپایی نماز به جماعت و پوشیدن لباس‌های تمیز و مرتب از این آداب بودند.

در این درس، با برخی دیگر از آداب و احکام نماز آشنا می‌شویم که عمل به آنها می‌تواند نماز را نزد خداوند ارزشمندتر سازد.

۱- خواندن اذان و اقامه قبل از نماز

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

کسی که اذان و اقامه بگوید و به نماز بایستد، دو صف از فرشتگان پشت سر او به نماز می‌ایستند که ابتدا و انتهای این دو صف دیده نمی‌شود، و کسی که فقط اقامه بگوید و نماز بخواند، پشت سرش یک صف از فرشتگان به نماز می‌ایستند.^۱



۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۳.

محتوای اذان و اقامه را به یاد دارید؟

اللَّهُ أَكْبَرُ
— خداوند را از همه بزرگتر شمردن،
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ — شهادت به یگانگی خداوند دادن،
أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ — شهادت به پیامبری حضرت محمد ﷺ دادن.

اینها مهم‌ترین عقاید همه مسلمانان جهان است که به‌عنوان شعار اسلام، هر روز و هر شب، در وقت نماز، با صدای بلند در آسمان شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی طنین‌انداز می‌شود. به این ترتیب با گفتن اذان و اقامه، ما بار دیگر عقاید اساسی خود را تکرار و مرور می‌کنیم. سفارش‌های بزرگان دین به اذان گفتن سبب شده است اذان‌گویی، عملی پسندیده و قابل تقدیر به‌شمار آید، به‌گونه‌ای که مؤذنان همواره امین و مورد اعتماد و احترام مردم بوده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ درباره این عمل ارزشمند می‌فرماید:

بخشی از ثواب نماز همه نمازگزاران، سهم مؤذنی است که مردم با صدای اذان او به نماز ایستاده‌اند.^۱

۲- نماز خواندن در مسجد

مسجد، خانه خداست و توصیفه فراوانی به نماز خواندن در آنجا شده است. در مساجد همواره ذکر و نام خداوند جاری است و معنویت فراوانی در آن وجود دارد؛ از این‌رو، کسی که برای نماز خواندن به مسجد می‌رود، نمازش را با توجه بیشتری اقامه می‌کند. انسان در مسجد میهمان خدا می‌شود و چه کسی از خداوند قادر در پذیرایی از میهمان تواناتر است؟ امام صادق (ع) می‌فرماید:

به مسجد آمدن را جدی بگیرید؛ چرا که مساجد خانه‌های خداوند در زمین هستند و هر کس با طهارت به مسجد برود خداوند [نام] او را در میان زائران خود می‌نویسد.^۲



ضمن مشورت با دوستانتان در کلاس، توضیح دهید چه فرقی بین

آداب نماز و احکام واجب نماز وجود دارد؟

۲. امالی صدوق، ص ۳۵۸.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱.

شرایط نماز صحیح

نماز جماعت که تمام شد، سعید از صف پشتی آمد و کنار من نشست :

— سلام

همین طور که داشتم تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را می گفتم با او دست دادم و جوابش را دادم. سعید که انگار می خواست حرف مهمی بزند، همین طور چشم به من دوخته بود. تا تسبیحات را

تمام کردم بلافاصله گفت : هیچ می دانی باید نمازت را دوباره از اول بخوانی؟

— چرا؟

— برای اینکه نمازی که الان خواندی باطل بود!

خیلی تعجب کردم. دوباره پرسیدم : چرا؟

— برای اینکه پشت آستین پیراهنت خونی شده و با لباس نجس نمی شود نماز خواند.

— تو مطمئنی؟

— باور نمی کنی؟ اینجاست، ببین.

با زحمت پیراهنم را چرخاندم و آن را دیدم. درست می گفتم، ولی خیلی کم بود. شاید یک قطره

بود.

— ولی اینکه خیلی کوچک است. مطمئنی این مقدار خون نماز را باطل می کند؟

— کاری ندارد، برویم از حاج آقا پرسیم.

با هم رفتیم و کنار آقای علوی امام جماعت مسجدمان نشستیم. وقتی که بعد از سلام و احوالپرسی

ماجرای ما را برای او تعریف کردیم، حاج آقا گفت :

ببینید بچه ها؛ اگر نمازگزار قبل از نماز بفهمد که لباس یا بدنش نجس شده است و با همان وضعیت

نماز بخواند نمازش باطل است. از این گذشته اگر هم بفهمد لباس و بدنش نجس شده است، ولی بعداً

فراموش کند که آن را پاک کند و در همان حال نماز بخواند، باز هم نمازش باطل خواهد بود. اما اگر

نمازگزار قبل از نماز نداند که لباس یا بدنش نجس شده است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است

و فقط برای نمازهای بعدی باید آنها را پاک کند.

— ببخشید حاج آقا، یعنی نماز علی باطل نیست؟

— نه. چون اولاً خودش در حال نماز از نجس بودن لباسش خبر نداشته و از این گذشته خونی که

۱. تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یعنی گفتن الله اکبر (۳۴ مرتبه)، الحمدلله (۳۳ مرتبه) و سبحان الله (۳۳ مرتبه).

روی لباس علی آقا ریخته، از یک سکه کوچک^۱ کمتر است.

سعید گفت: پس من چند روز پیش که برادر کوچکم را بغل کرده بودم و لباسم کمی نجس شد، لازم نبود آن را برای نماز می‌شستم؟
— این مقدار بدون اشکال فقط درباره خون است؛ یعنی اگر لباس، یا بدن شما با نجاسات دیگر برخورد کند، حتی اگر یک قطره هم باشد، حتماً باید قبل از نماز آن را پاک کنید.



علاوه بر شرایطی که در داستان فوق دیدیم، مکان و لباس نمازگزار شرایط دیگری هم دارد که لازم است هنگام نماز آنها را رعایت کنیم:

اول: علاوه بر لباس و بدن نمازگزار، مکان نمازگزار (یعنی چیزی که فرد بر آن سجده می‌کند) هم باید پاک باشد و سجده کردن بر اشیای نجس، نماز را باطل می‌کند.

دوم: اگر نمازگزار در مکان غصبی^۲ نماز بخواند، نمازش باطل است و باید در مکان دیگری، دوباره آن نماز را به جا آورد.

سوم: لباس نمازگزار نباید غصبی باشد و حتی اگر دکمه‌ها و یا تنها بخشی از لباس نمازگزار نیز غصبی باشد، نماز با آن لباس‌ها باطل خواهد بود.

چهارم: اگر کسی با پولی که از راه حرام به دست آورده لباسی بخرد، نمی‌تواند با آن لباس نماز بخواند.

پنجم: استفاده از زیورآلات طلا — مانند انگشتر یا گردنبند — برای مردان حرام است و استفاده کردن از این وسایل در هنگام نماز، باعث باطل شدن نماز مردان می‌شود.

ششم: نماز خواندن با لباسی که از پوست، مو، یا اجزای دیگر حیوانات حرام گوشت تهیه شده باشد، صحیح نیست و حتی اگر بخش‌های کوچکی از اجزای این حیوانات همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل خواهد بود.

۱. این اندازه تقریباً به اندازه یک بند انگشت سیاه انسان است.

۲. مکان غصبی به مکانی گفته می‌شود که صاحبش راضی به حضور دیگران در آن مکان نباشد.

با توجه به آنچه خواندیم، کدام یک از نمازهایی که در جدول زیر آمده صحیح و کدام یک باطل است؟

باطل	صحیح	شرایطی که در آن نماز خوانده می شود
		۱- بدنش نجس شده است ولی خودش نمی داند و نمازش را همین طور می خواند.
		۲- بعد از ادرار کردن فراموش کرده که محل نجس بدن را با آب شست و شو دهد.
		۳- کمر بندش از چرم گاو است.
		۴- پس از تماس با گربه، مقداری از موهای گربه روی لباسش باقی مانده است.
		۵- با پولی که رشوه گرفته است، لباسی خریده و با آن نماز می خواند.

بیشتر بدانیم

اول نماز

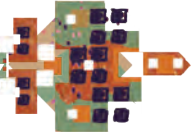
سپهبد شهید علی صیادشیرازی می گوید :

در زمان جنگ ایران و عراق، روزی به همراه رئیس جمهور، رئیس مجلس، وزیر دفاع و فرمانده کل سپاه پاسداران برای بررسی اوضاع جبهه ها در منزل امام خمینی علیه السلام بودیم. ایشان نشسته بودند و ما هم دور ایشان به صورت نیم دایره نشستیم. همین طور گرم گفت و گو بودیم که در میان صحبت ها ناگهان امام از جایشان بلند شدند و به طرف اتاق کناری رفتند.



یکی از حاضران که نگران حال امام بود بلافاصله پرسید: آقا کسالتی پیش آمده است؟ امام فرمود: «خیر، وقت نماز است.» این جمله را با چنان لحنی گفتند که من به ذهنم رسید تا به حال این طور به فکر نماز نبوده ام! بعد به ساعت نگاه کردم، دیدم هنوز چند دقیقه ای به اذان ظهر باقی مانده است.^۱

۱. برگرفته از کتاب برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۶۲.



- ۱- دلایل اهمیت نماز خواندن در مسجد را بیان کنید.
- ۲- اگر کسی بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده است، آیا واجب است نمازش را دوباره بخواند؟ توضیح دهید.
- ۳- کسی که کف پاهایش خیس است، آیا می‌تواند بر روی فرش نجس نماز بخواند؟
- ۴- گزینه‌های درست و نادرست را مشخص کنید.
 - استفاده از گردنبند و انگشتر طلا برای مردان حرام است.

<input type="checkbox"/> غلط	<input type="checkbox"/> صحیح
------------------------------	-------------------------------
 - استفاده از گردنبند و انگشتر طلا نماز مردان را باطل می‌کند.

<input type="checkbox"/> غلط	<input type="checkbox"/> صحیح
------------------------------	-------------------------------
 - اگر نجاست ادرار کمتر از یک سکه کوچک باشد می‌توان با آن نماز خواند.

<input type="checkbox"/> غلط	<input type="checkbox"/> صحیح
------------------------------	-------------------------------

پیشنهاد

مواردی وجود دارد که حتی اگر نمازگزار در حال نماز هم بفهمد لباس، یا بدنش نجس شده است، نمازش درست است و باید آن را ادامه دهد؛ مثلاً کسی که برای پوشاندن بدنش تنها یک لباس دارد و آن هم نجس شده است، می‌تواند با همان لباس نمازش را بخواند.

با افراد آگاه مشورت کنید و به کمک آنها سه مورد دیگر از این موارد را بیابید و آنها را در کلاس بازگو کنید.

الهی

خدایا،

لذت گفت و گو با خودت را به من بپشان؛
و مرا به جویبار دوستی و محبتت وارد کن.

خدایا!

مکلم کن تا در هنگام ناز،
هرچه جز تو در نگاهم خرد و کوچک شود،
آن گونه که غرق در یاد تو کردم.
ای دوستدار نازگزاران،
بهترین دعاها را بر قلب و زبانم جاری کن.

خداوندا!

در شادی و غم،

در بیماری و سلامتی،

در خستگی و نشاط،

و در هر حال یاری ام کن تا نماز را فراموش نکنم.

اگر تو هم می خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

ای مردم،
 به میهمانی بزرگ خدا دعوت شده‌اید؛ این ماه که به سوی شما می‌آید،
 — ماه برکت و بخشش خداست؛
 — نفس کشیدن شما ثواب ذکر و تسبیح خداوند را دارد؛
 — خواب شما در این ماه عبادت است؛
 — عبادت‌هایتان در این ماه مورد قبول خداوند است؛
 — دعاهایتان مستجاب است، پس دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را به روزه گرفتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد.

ای مردم،
 — پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است؛
 — هر کس در این ماه، بسیار صلوات بفرستد، کارهای نیکش در قیامت سنگین خواهد بود؛
 — هر کس در این ماه، یک آیه قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را تلاوت کند.
 ای مردم،
 — کسی که در این ماه، اخلاقش را نیکو کند، در روز قیامت به آسانی از صراط خواهد

گذشت.^۱

براساس فرمایش پیامبر اکرم ﷺ، رفتار و گفتار روزه‌دار بهتر است

چگونه باشد؟

۱. بخشی از سخنان پیامبر اکرم ﷺ، پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، امالی صدوق، ص ۹۳.

همه ما حال و هوای ماه رمضان را تجربه کرده‌ایم و از این ماه خدا، خاطراتی زیبا در ذهن داریم. خاطرات شیرینی که باعث می‌شود پس از پایان یافتن این ماه، خیلی زود دلمان برای سحرها و افطارهایش تنگ شود و دوباره چشم به راه فرا رسیدنش در سال بعد باشیم.

جلسات قرائت قرآن، میهمانی‌ها و افطاری‌ها، بیدار شدن در وقت سحر، مراسم شب‌های قدر و مناجات‌ها و دعا‌های مختلف در هنگام افطار و سحر، توفیق‌ها و برکاتی هستند که این ماه را بر ماه‌های دیگر برتری می‌بخشند. عبادتی که تمامی این توفیق‌ها را دور خود جمع می‌کند روزه است. در ماه رمضان روزه گرفتن بر مسلمانان واجب است.

پیامبر اعظم ﷺ درباره اهمیت این عبادت بزرگ می‌فرماید:

روزه سپری است در برابر مشکلات دنیا و پوششی است در برابر عذاب آخرت.^۱

روزه گرفتن آن قدر ارزشمند است که بزرگان دین – علاوه بر ماه مبارک رمضان – در سایر ماه‌ها هم، برخی روزها را روزه می‌گرفتند، و مردم را نیز به روزه گرفتن سفارش می‌کردند؛ چرا که روزه علاوه بر پاداش بی‌ظنیر الهی، فواید فراوان روحی و جسمی دارد.

فواید روزه

۱- تقویت صبر و تقوا: به درختانی که در کنار جوی‌های آب می‌روید، نگاه کنید. آنها برای رشد و ادامه زندگی هیچ مشکل و زحمتی را تحمل نمی‌کنند. اما درختانی که در مناطق کوهستانی یا کم آب رشد می‌کنند، برای استوار ماندن با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

به نظر شما اگر این درختان دچار طوفانی سهمگین شوند، کدام یک زودتر از پای درمی‌آیند؟ کسی که به دستور خداوند روزه می‌گیرد، سختی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند و با اینکه آب و غذا در اختیار دارد، از آنها استفاده نمی‌کند. تکرار این کار، سبب تقویت بیشتر تقوا و صبر انسان می‌شود. در این صورت هر وقت که شیطان، انسان را برای انجام گناهی وسوسه کند، می‌تواند با تقوا و صبر در برابر انجام گناه، از آلوده شدن به گناه دوری کند و در برابر وسوسه آن مقاومت کند. اما کسی که در برابر خواسته‌های دلش تسلیم شده و هیچ وقت به او «نه» نگفته است، نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند و خیلی زود تسلیم می‌شود.

۱. مصباح الشریعه، ص ۱۳۵



چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه‌داری وجود دارد؟ توضیح دهید.

۲- توجه به محرومان : همه ما بارها این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که :

شنیدن کی بود مانند دیدن!

شاید بگوییم درست است، اما این ضرب‌المثل چه ربطی به روزه دارد؟
روزی از امام صادق علیه السلام سؤال شد : چرا خداوند روزه را بر مردم واجب کرده است؟
امام علیه السلام فرمود :

ثروتمندان هرگز درد گرسنگی را حس نمی‌کنند؛ زیرا هر چه بخواهند می‌توانند به دست آورند؛ به همین دلیل نسبت به فقیران و گرسنگان دلسوزی نمی‌کنند. خداوند بلند مرتبه روزه را بر همه واجب کرد تا [در این ماه] همه مانند هم باشند و ثروتمندان نیز مزه گرسنگی را بچشند و با گرسنگان و فقیران مهربان شوند و به آنان کمک کنند.^۱

این ویژگی ماه مبارک رمضان، موجب می‌شود مردم در این ماه به نیازمندان بیشتر توجه کنند و در حدّ توان به آنان کمک کنند.

۳- حفظ سلامتی : وقتی که مواد غذایی بیش از حدّ نیاز بدن باشد، به صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و ضمن بالا بردن چربی، قند و فشار خون، باعث بالا رفتن وزن بدن و انباشته شدن چربی در میان ماهیچه‌های بدن می‌شود. یک ماه روزه گرفتن، چربی‌های مزاحم و زائد بدن را مصرف می‌کند و از بین می‌برد و در حقیقت بدن را از آلودگی‌های یک ساله خانه‌تکانی می‌کند.
نتیجه تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران نشان می‌دهد که دلیل اصلی بسیاری از بیماری‌ها، تغذیه نادرست و پرخوری است و به همین دلیل در اغلب کتاب‌های معتبر پزشکی بخشی به اصول تغذیه و منافع پرهیز از پرخوری اختصاص یافته است.

اکنون معنای این حدیث نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بهتر می‌فهمیم که می‌فرماید :

صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه بگیرید تا سالم بمانید.^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳. ۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۷۲؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۴۵۰. * روایت حفظ شود.



آیه زیر را با دقت بخوانید :

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
 كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
 روزه بر شما واجب شد،
 همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند
 نیز واجب شده بود؛
 تا پرهیزگار شوید.

- ۱- با توجه به این آیه، مهم‌ترین فایده روزه چیست؟
- ۲- به نظر شما عبارت «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» به چه کسانی اشاره دارد؟

بیشتر بدانیم

جراحی بدون چاقو

«مطمئن‌ترین، بی‌ضررترین و بی‌خطرترین روش درمانی!
 ما نوعی جراحی بدون چاقو را کشف کرده‌ایم که هیچ روش درمانی دیگری را نمی‌توان با آن مقایسه کرد! آنچه گروه تحقیقاتی ما کشف کرده روزه‌درمانی است!
 ما پس از آزمایش‌های مختلف مشاهده کردیم که هیچ یک از روش‌های پزشکی موجود نمی‌تواند مانند این روش در ترمیم و جوان کردن یاخته‌های بدن اثرگذار باشد. روشی که نتیجه‌اش در پیشگیری و درمان بیماری‌ها، غیرقابل تصور است. این روش به بدن اجازه می‌دهد پس از یک‌سال کار بی‌وقفه، کمی استراحت کند و بعد از رها شدن از شتر مواد زائد انباشته شده در آن، دوباره خودش را تنظیم کند. روزه گرفتن تنها گرسنگی کشیدن نیست؛ بلکه راهی است برای نظافت، ترمیم و بازسازی بدن. این نیروی شگفت‌انگیز هدیه‌ای است که خدا در وجود هر انسانی آفریده است...»^۲

مُبطَلات روزه

روزه همانند سایر عبادات، احکامی دارد و برای انجام صحیح و کامل آن، باید آنها را رعایت کنیم تا از فواید و برکات آن محروم نشویم.
 روزه گرفتن فقط نخوردن و نیاشامیدن نیست؛ بلکه روزه یعنی اینکه انسان تصمیم بگیرد برای

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳. ۲. روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت سلتون، ص ۱۹.

انجام دستور خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار معین، که به آنها مبطلات روزه گفته می‌شود، خودداری کند. به این تصمیم که خودش یکی از واجبات روزه است، نیت گفته می‌شود. در اینجا با چهار مورد از مبطلات^۱ روزه آشنا می‌شویم:

۱ و ۲- خوردن و آشامیدن: اگر شخص روزه‌دار با آگاهی و از روی عمد آب، غذا، دارو یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی هم کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن عمدی غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز باعث باطل شدن روزه می‌شود. به این دلیل به ما سفارش شده است در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزنیم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند.

۳- فرو بردن سر به زیر آب: روزه‌دار نباید سرش را به طور کامل به زیر آب فرو ببرد و اگر این کار را برای یک لحظه هم انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. البته ایستادن زیر دوش آب یا ریختن آب بر روی سر برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

۴- فرو بردن غبار یا دود غلیظ به حلق: روزه‌دار نباید گرد و غبار یا دود غلیظ به حلق خود برساند. بنابراین، اگر جایی گرد و خاک خیلی زیادی در هوا پراکنده شده باشد یا اینکه دود شدیدی در هوا پیچیده باشد، روزه‌دار باید آنجا را ترک کند یا با استفاده از یک پارچه یا ماسک از رسیدن آن به حلقش خودداری کند.

تمام مواردی که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه می‌شود که شخص روزه‌دار عمداً و با توجه به اینکه روزه است آنها را انجام دهد؛ ولی اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش صحیح خواهد بود.



- ۱- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث توجه بیشتر روزه‌دار به فقرا و مستمندان می‌شود.
- ۲- چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.
- ۳- اگر کسی در ماه مبارک رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا شنا کردن در آب روزه را باطل می‌کند؟ توضیح دهید.

۱. مبطلات روزه نه چیز است که در سال‌های آینده با سایر موارد آن آشنا خواهیم شد.
۲. کسی که روزه ماه رمضان بر او واجب است، اگر بدون عذر شرعی روزه نگیرد، گناه بزرگی انجام داده و باید علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز بدهد. یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد. (برای آگاهی بیشتر در این خصوص به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.)

الهی

خداوندا،

ای صاحب ماه رمضان و ای دوستدار روزه داران؛

شکیبایی ام بخش تا روزه بگیرم؛

و یاری ام کن تا میهمان قرآن شوم.

الهی،

تو خود مرا به مهمانی ات فراخواندی،

پس سحرهایم را پر دعا و افطارهایم را با صفا کن.

و روزه چشم و زبان و گوش را نصیبم کن،

تا بد نینم، بد نگویم و بد نشنوم.

پروردگارا،

ای بخشنده ترین و ای پاک ترین،

در شب های زیبای قدر،

مرا بخش و بهترین سرانجام را برای همه مقرر کن.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل پنجم

اخلاق

سال گذشته در فصل اخلاق درباره علم‌آموزی (درس بر بال فرشتگان)، انتخاب دوست خوب (درس کمال همشین)، شناخت صفات اخلاقی ناپسند و راه ترک آنها (درس مزدوران شیطان) و حفظ حجاب (درس نشان عزت) مطالبی را آموختیم. امسال نیز در این فصل می‌آموزیم:

درس هشتم (نشان ارزشمندی): حجاب یکی از احکام ضروری اسلام است که خداوند آن را برای دستیابی به سعادت برزن و مرد واجب کرده است. در این درس با اهمیت حفظ نگاه، جایگاه حفظ حیا و حفظ پوشش مناسب آشنا می‌شویم.

درس نهم (تدبیر زندگانی): خداوند مهربان در این دنیا نعمت‌های فراوانی به ما داده است تا با استفاده از آنها بتوانیم به بهشت زیبای او دست یابیم. در این درس می‌آموزیم، چگونه از این نعمت‌ها آن‌طور که خداوند می‌پسندد استفاده کنیم و از اسراف و تقلید کورکورانه از دیگران در شیوه‌های زندگی پرهیز کنیم.

درس دهم (دو سرمایه گرانبها): ما در این دنیا دو سرمایه بسیار ارزشمند داریم که اگر ارزش آنها را ندانیم و نیاموزیم که چگونه از آنها استفاده مناسب بکنیم، خسارت بزرگی کرده‌ایم. در این درس، با دو نعمت بسیار گرانبهایی که خداوند حکیم به ما داده است (نعمت عمر و نعمت تفکر) آشنا می‌شویم و می‌آموزیم که با بهره‌برداری صحیح از آنها می‌توانیم به رستگاری جاودانه دست یابیم.

درس یازدهم (آفت‌های زبان): زبان و قدرت سخن گفتن، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. انسان می‌تواند با سخن گفتن صحیح و دوری از گناهان زبانی رضایت خداوند را به دست آورد؛ ولی برخی از انسان‌ها با همین نعمت ارزشمند، خشم و غضب الهی را برای خود به دست می‌آورند. در این درس، با برخی از گناهان زبانی (دروغ، غیبت و ناسزاگویی) و راه‌های ترک آنها آشنا می‌شویم.

درس دوازدهم (ارزش کار): انسان می‌تواند با کار کردن از دیگران بی‌نیاز شود و دیگر از کسی درخواست کمک نکند. با انتخاب کار حلال و تلاش در خوب کار کردن، روزی حلال نصیب انسان می‌شود که تأثیر بسیار زیادی در رشد و پیشرفت مادی و معنوی دارد. در این درس می‌آموزیم که کار چه جایگاه ارزشمندی نزد خداوند دارد و با چیزهایی آشنا می‌شویم که موجب می‌شود درآمد انسان، حرام شود.

درس سیزدهم (کلید گنج‌ها): در این جهان، قدرت کامل در دست خداوند است و اگر کسی می‌خواهد به چیزی دست یابد، در کنار تلاش و کوشش مناسب، باید از خداوند موفقیت خود را نیز بخواهد. در این درس می‌آموزیم که چگونه دعا کنیم و آداب دعا کردن و جایگاه آن در دین چیست.

شیشه ماشین پایین بود و هوای پاک و خنک کوهستان صورتش را نوازش می کرد. همین طور که بیرون را نگاه می کرد چشمش به یک تابلوی راهنمایی افتاد. از پدر پرسید: معنای این تابلو چیست؟ پدرش در حالی که سرعت ماشین را کم می کرد پاسخ داد: این تابلو یعنی پیچ خطرناکی در مسیر است. هنوز مسافت چندانی نرفته بودند که دوباره پرسید: این چطور؟ پدر گفت: این تابلوی سبقت ممنوع است! یعنی باید با صبوری در مسیر خودمان حرکت کنیم.

کمی بعد پدر با اشاره به تابلویی، پیش از آنکه دخترش از او سؤال کند گفت: این تابلو به ما هشدار می دهد که جاده لغزنده است، پس باید با سرعتی که بتوان ماشین را مهار کرد، حرکت کنیم.

ریحانه با خودش تکرار می کرد: پیچ خطرناک! سبقت ممنوع! جاده لغزنده است! احتیاط کنید! سبقت آزاد! ...



به نظر شما رانندگی کردن با این همه تابلو دشوار نیست؟ چرا این تابلوها در مسیر رانندگان قرار داده شده است؟



قوانین راه سعادت

خداوند دانا با شناختی که از مخلوقات خود و نیازهای آنها دارد، تابلوهایی شبیه به تابلوهای رانندگی را در مسیر ما قرار داده است. راهنمایی‌های این تابلوها دو گونه است برخی از آنها ما را به انجام برخی کارهای لازم و ضروری راهنمایی می‌کنند و برخی دیگر از انجام کارهای خطرناک و زیان‌آور بازمی‌دارد. در تمام این موارد، معیار و دلیل این احکام فقط رستگاری انسان است؛ بنابراین، می‌توان گفت احکام اسلامی در حقیقت قوانینی هستند که برای حفظ سلامتی و آرامش روحی و جسمی انسان وضع شده‌اند و توجه به آنها می‌تواند انسان را از انحراف و سقوط به دره‌های هولناک محافظت کند.

احکام مربوط به محرم و نامحرم نمونه‌ای از این قوانین اجتماعی اسلام است. ما در سال‌های پیش با موضوع محرم و نامحرم آشنا شدیم و دانستیم که گروهی از مردم نسبت به ما محرم و گروه دیگری به ما نامحرم‌اند.



ضمن مشورت با دوستانتان جدول زیر را در کلاس کامل کنید.

نامحرم‌ها		محرم‌ها	
۶-	۱-	۶-	۱-
۷-	۲-	۷-	۲-
۸-	۳-	۸-	۳-
۹-	۴-	۹-	۴-
۱۰-	۵-	۱۰-	۵-

در این درس با برخی دیگر از قوانین اجتماعی اسلام آشنا می‌شویم :

۱- **حفظ نگاه** : وظیفه هر مرد و زن مسلمان در برابر افراد نامحرم، چشم‌پوشی از نگاه به آنهاست.

امام صادق علیه السلام درباره بی‌توجهی به این قانون الهی می‌فرماید :

نگاه کردن [به نامحرم] تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است که تخم گناه را در دل انسان می‌کارد و همین برای به گمراهی کشیدن صاحبش کافی است. چه بسیار نگاه‌های کوتاهی که حسرتی طولانی در پی دارند.*۱

نگاه حرام^۲ علاوه بر آنکه خودش گناهی بزرگ است، مقدمه و زمینه‌ساز گناهان بزرگ دیگر نیز به شمار می‌رود. برخی جرم‌ها و جنایت‌های بزرگ، در ابتدا تنها با یک نگاه حرام آغاز شده‌اند. میان نگاه و گناه فاصله اندکی است. گاهی زهر مسمومیت این نگاه‌ها تا آخر عمر در وجود انسان می‌ماند و هیچ پادزهری آن را درمان نمی‌کند. کسی که از «خط قرمزهای» نگاه عبور می‌کند، به منطقه «ورود ممنوع» وارد می‌شود و گرفتار می‌گردد؛ گرفتار غم، گرفتار حسرت و اندوه، گرفتار ناآرامی و اضطراب.

ولی اگر انسان نگاه خود را کنترل کند، پاداش عظیم الهی هم در این دنیا و هم در جهان آخرت در انتظار اوست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید :

هرکس چشم خود را از نگاه به نامحرم فرو بندد، خداوند شیرینی ارتباط با خودش را در دل او ایجاد می‌کند.^۳

پس بهتر است آرامش خود را فدای لذت‌های لحظه‌ای و آنی نکنیم تا شیرینی محبت و آرامش الهی را در درون خود احساس کنیم.

۲- **حفظ گفتار** : دومین وظیفه هر مسلمان در برابر نامحرم، سخن گفتن با رعایت آداب و حدود شرعی است. یعنی به گونه‌ای سخن بگوییم که سبب تحریک آنان نشود.

۱. کافی، ج ۵ ص ۵۵۹ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.
* روایت حفظ شود.
۲. علاوه بر نگاه به نامحرم، نگاه کردن به تصاویر و یا فیلم‌های گناه‌آلود نیز از نمونه‌های نگاه حرام است.
۳. کنز العمال، روایت شماره ۱۳۰۵۹.

قرآن کریم خطاب به بانوان می‌فرماید :

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ

پس با ناز سخن مگویید،

فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ

که شخص بیمار دل [که به مرض هوسرانی گرفتار

است] به طمع بیفتد؛

وَأُكْلَنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

بلکه به شیوه‌ای پسندیده سخن بگویید.

انجام هر عملی که سبب تحریک نامحرمان شود، حرام است؛ سخن گفتن با لحن‌های نامناسب و استفاده از کلمات و سخنان سبک و مبتذل در برابر نامحرمان نمونه‌های این عمل حرام است.



۳- داشتن پوشش مناسب : خداوند بزرگ به هیچ مرد و زنی اجازه نمی‌دهد با بی‌توجهی به اصل پوشش و به نمایش گذاشتن بدن خود، دیگران را به گناه بیندازد و فضای اخلاقی جامعه را آلوده سازد. اما نکته قابل توجه این است که هر چند پوشاندن بدن، وظیفه همه افراد جامعه است، اما مقدار آن در مردان و زنان متفاوت است که دلیل این تفاوت مربوط به نوع آفرینش آنهاست. هر قدر ظرافت و جدّایت چیزی بیشتر باشد، محافظت و نگهداری آن نیز دقیق‌تر و حساس‌تر است. به همین دلیل است که انسان‌های عاقل جواهرات و اشیای ارزشمند خود را در دسترس دیگران و در برابر چشم دزدان قرار نمی‌دهند؛ بلکه آنها را در مکان‌هایی حفاظت شده و دور از چشم غارتگران نگهداری می‌کنند. حجاب و پوشش مناسب زن سبب می‌شود زیبایی‌های او در برابر چشم افراد هوسران پدیدار نشود و آنان را به طمع بیندازد. به این ترتیب، زنان می‌توانند با آرامش خاطر به امور فردی و اجتماعی خود بپردازند و محیط نیز برای فعالیت مثبت و سازنده مردان جامعه، سالم می‌ماند.



آثار پوشش نامناسب

نادیده گرفتن احکام حجاب خطرات و مشکلاتی را برای شخص بدحجاب، خانواده او و همچنین تمام جامعه به وجود می‌آورد. ناامنی و مورد آزار قرار گرفتن توسط مردان هوس باز یکی از این خطرات است که به آن اشاره شد. نتیجه دیگر این مسئله کم‌ارزش شدن زن در جامعه است. پوشش نامناسب باعث می‌شود تا

افراد هوسران به زن، تنها به عنوان وسیله‌ای برای لذت‌جویی و هوسرانی خود نگاه کنند و شخصیت و جایگاه حقیقی او را به فراموشی سپرند. یک بانوی با حجاب، با پوشش و رفتار متین خود به دیگران می‌فهماند که حاضر نیست برای خوشایند نگاه‌های هوس‌انگیز دیگران خودش را عرضه کند. او ارزش خود را می‌داند و به خودش احترام می‌گذارد.

از دیگر نتایج بی‌توجهی به حجاب که می‌توان آن را مهم‌ترین پیامد آن دانست، دور شدن انسان از خداست. خدایی که وقتی تنهای تنها می‌شویم، وقتی که حتی دوستان نزدیکمان، آنها که نیازمند یاریشان هستیم، رهایمان می‌کنند، و آن هنگام که هیچ تکیه‌گاهی برایمان باقی نمی‌ماند، تنها کسی است که در کنارمان باقی است. خدایی که با عظمت بی‌منت‌هایش به ما اظهار دوستی و محبت کرده است، در حالی که نیازی به ما ندارد و سفره‌نعمت‌هایش را در برابر ما گسترانده است با اینکه از ما جز ناشکری و ناسپاسی ندیده است. حال آیا شایسته است به جای چنین خدایی، چشم‌ها و دل‌های ناپاک را جایگزین کنیم؟ آیا شایسته است نگاه مهربان او را برای جلب نگاه دیگران از دست بدهیم؟ آیا سزاوار است بهشت او را با رفتارها، حرف‌ها، رابطه‌ها، نگاه‌ها و لبخندهایی که پاکدامنی و نجابت‌مان را نابود می‌کند، عوض کنیم؟ زندگی ما جاده‌ای است که در آن به سوی خدا قدم برمی‌داریم و هر روز که از عمرمان می‌گذرد، به دیدار و ملاقات با او نزدیک‌تر می‌شویم، پس باید خیلی مراقب باشیم؛ مراقب اینکه در مسیر حرکت‌مان به پرتگاه‌ها و دره‌ها سقوط نکنیم، مراقب اینکه پاکی و صفای درونمان را در میانه راه از دست ندهیم. بی‌توجهی به حجاب یکی از پرتگاه‌های عمیق این مسیر است. پرتگاهی که ما را از مسیر آرامش‌بخش خداوند دور می‌کند و به بهای از دست دادن عمر و ایمان و معنویت، خوشحالی زودگذر و لحظه‌ای را نصیبمان می‌سازد.



با کمک هم‌گروهی‌های خود بررسی کنید که پوشش مناسب و نامناسب چه تأثیری بر روی خود فرد و نیز اجتماع دارد.

آثار پوشش نامناسب	آثار پوشش مناسب

بیشتر بدانیم

راه‌گزیز

آمارهای رو به رشد طلاق، احساس عدم امنیت، افسردگی و رواج خشونت‌ها نسبت به زنان سبب شده است که متفکران و سیاستمداران به دنبال راهکارهای جدی برای مقابله با این مشکلات باشند. یکی از راهکارهای تأثیرگذاری که تاکنون انجام گرفته، جلوگیری از اختلاط بیجا میان مردان و زنان است.

در همین راستا شرکت قطارهای مسافری شهری ژاپن در سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که برای رفاه بیشتر زنان در متروها، واگن‌های اختصاصی را برای بانوان راه‌اندازی کرده است.

همچنین وزارت آموزش امریکا در سال ۱۳۸۵، پس از ۳۱ سال بالاخره مجوز جداسازی مدارس دختران و پسران را از یکدیگر صادر کرد. شبکه تلویزیونی اسکای نیوز که این خبر را از زبان وزیر آموزش امریکا اعلام می‌کرد ادامه داد: تحقیقات در مدارس امریکا نشان می‌دهد که بازدهی آموزشی در کلاس‌ها و محیط‌های آموزشی جدا از هم، بالاتر از محیط‌های آموزشی مختلط بوده است. او همچنین این تصمیم را مهم‌ترین تغییر در نظام آموزشی امریکا ظرف این ۳۱ سال برشمرد.

اقدام مهم دیگری که در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهای غربی در حال رواج است، تصمیم زنان برای استفاده از پوشش مناسب‌تر و کامل‌تر است.

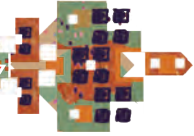
خانم وندی شلیت^۱ در کتاب «بازگشت به عفاف» می‌نویسد:

تحقیقات نشان می‌دهد هر روز که می‌گذرد، بر گرایش دختران امریکایی به پوشش کامل‌تر افزوده می‌شود. بر اساس یافته‌های محققان، نسل جدید دختران جوان در نیویورک برخلاف نسل‌های قبلی علاقه چندانی به خودنمایی و پوشیدن لباس‌های بدن‌نما ندارند. این تحلیل‌گران معتقدند که دلیل روی آوردن دختران به پوشش بیشتر، آسودگی از آزار دیگران و میل به کنترل خودشان است. به‌طور کلی باید گفت که گرایش به مذهب و رویارویی با فرهنگ رایج بی‌بند و باری، علامت این است که نسل جوان قصد دارد بر خودش نظارت بهتری داشته باشد.^۲

۱. نویسنده امریکایی

۲. «بازگشت به عفاف»، Wendy Shalit، A Return To Modesty، ترجمه ماندانا آجودان، هفته‌نامه زن روز، ش ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۴.

خودت را امتحان کن!



- ۱- چه شباهتی میان تابلوهای راهنمایی و رانندگی و قوانین دین وجود دارد؟
- ۲- مهم‌ترین وظایف هر مرد و زن در برابر نامحرمان چیست؟
- ۳- دو مورد از آثار و پیامدهای بی‌توجهی به حجاب را بیان کنید.

پیشنهاد

به نظر شما چه چیزهایی سبب می‌شود که بعضی از بانوان در جامعه به مسئله حجاب بی‌توجه باشند؟ شما می‌توانید درباره این موضوع با افراد آگاه گفت‌وگو کرده و پاسخ را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

الهی

خدایا پوشش و حجاب من را نشانی از بندگی من بدان

سندی در تأیید پیروی از حضرت زهرا علیها السلام

خدایا لگلم کن تا حرف های دیگران، دلسردم نکند

و با افتخار در راه تو قدم گذارم، راحتی که پایان آن بهشت است.

خدایا من چشم هایم را بر روی هر آنچه دیدش را حرام کردی، می بندم

و از تومی خواهم طعم شیرین عبادتت را بر دلم بنشانی

خدایا من پشیمانم را برای تومی خواهم

پس لگلم کن تا آنچه را که نمی پسندی، نبینم

تو هم اگر می خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

در طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که کمال و ارزش خود را در بی‌توجهی به دنیا و استفاده نکردن از امکانات دانسته‌اند و گمان می‌کردند خداوند نیز از کار آنها راضی است. آنان بر این تصور بودند افرادی که برای زندگی بهتر و استفاده از امکانات خدادادی تلاش می‌کنند، افرادی دنیا طلب و گمراه‌اند.

در برابر این گروه، عده‌ دیگری هستند که وقتی از راه حلال مالی را به دست می‌آورند، حق خود می‌دانند هر اندازه و هر طور که دلشان خواست از اموالشان استفاده کنند؛ آنان از کار خود این‌گونه دفاع می‌کنند که «پول برای خرج کردن است» و «خدا آفریده است که استفاده کنیم» و «دارندگی و برازندگی».



به نظر شما دیدگاه کدام گروه صحیح است؟ آیا راه دیگری به غیر از دو راه فوق وجود دارد؟

راه کدام است؟

خداوند مهربان ما را آفریده است تا با زندگی در دنیا و انجام کارهای نیک، به سعادت و خوشبختی برسیم. اگر رسیدن به رستگاری دنیا و آخرت بدون استفاده از نعمت‌های الهی امکان‌پذیر بود، پس نیازی هم به آفرینش آنها نبود. از این رو، قرآن کریم با توییح کسانی که بی‌دلیل خود را از نعمت‌های الهی محروم کرده‌اند، می‌فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ^۱

بگو: چه کسی زینت‌های الهی را
که برای بندگان خود آفریده،
و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟
به این ترتیب، روشن می‌شود دیدگاه گروه نخست، مورد تأیید دین الهی نیست.



آیه زیر را تلاوت کنید و در معنای آن بیندیشید:

وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا
وَ لَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ^۲

بخورید و بیاشامید،
ولی اسراف نکنید،
زیرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

حال به نظر شما با توجه به این آیه، دیدگاه و رفتار گروه دوم تا چه حد مورد تأیید خداوند است؟

اسراف

کسی که:

- لامپ اتاق را روشن رها می‌کند و از اتاق خارج می‌شود؛
- بیش از نیاز بدنش غذا می‌خورد؛
- وسایل قابل استفاده خانه را به بهانه دیگر کهنه شده‌اند دور می‌ریزد؛
- با لوازم التحریر ساده می‌تواند نیازهای نوشتاری‌اش را برطرف کند، ولی از لوازم گران قیمت

استفاده می‌کند؛

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱

۲. سوره اعراف، آیه ۳۲

– برای چشم و هم‌چشمی با دیگران وسایلی را می‌خرد که واقعاً نیازی به آنها ندارد.
 همهٔ این افراد گرفتار اسراف هستند. اسراف به معنای زیاده‌روی در مصرف است که از گناهان بزرگ است و عذاب الهی را در پی دارد.



در هریک از موارد زیر رفتارهای صحیح و غیر صحیح را بیان کنید.

رفتارهای اسراف آمیز	رفتارهای صحیح	
۱- ۲- با اینکه خودروی سالم و مناسبی در اختیار دارند، خودروی گرانتیمتی را برای جشن کرایه می‌کنند. ۳-	۱- خانهٔ مناسبی در فامیل وجود دارد، مراسم در آنجا برگزار می‌شود. ۲- ۳-	برگزاری جشن ازدواج
۱- ۲- لوازم‌التحریر سال گذشته را با وجود قابل استفاده بودن دور می‌ریزند. ۳-	۱- ۲- ۳- کیف مدرسه سال گذشته سالم و قابل استفاده است امسال کیف جدید نمی‌خرند.	خرید کیف و لوازم التحریر و وسایل مدرسه
۱- ۲- فقط به دنبال خرید وسیله‌ای هستند که در خانه بستگان دیده‌اند. ۳-	۱- بیش از حد نیاز وسیله‌ای نمی‌خرند. ۲- ۳-	خرید وسایل منزل

مصرف‌گرایی

یکی از نمونه‌های اسراف، مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی یعنی میل دائمی به خرید بیشتر و بیشتر کالاها و اجناس! شاید شما هم با افرادی برخورد کرده باشید که وقتی از آنها می‌پرسیم «چرا این کالا را خریده‌اید؟» در جواب چنین پاسخ‌هایی را می‌دهند:

– چون حراج کرده بودند و ارزان بود خریدم، هر چند لازم نداشتم!

– اینها الآن «مُد» شده است!

– دوستان گفتند خیلی به من می‌آید!

– می‌گویند چند وقت دیگر گران می‌شود.

– اگر مقداری هم اضافه در خانه داشته باشیم به جایی بر نمی‌خورد!

– همه فامیل یکی از اینها خریده‌اند! و... .

این‌گونه پاسخ‌ها نشان می‌دهد که خریدار در هنگام خرید، واقعاً به آن کالا نیازی نداشته و تحت تأثیر دیگران تصمیم به خرید آن گرفته است.

حالا واقعاً چه اشکالی دارد چیزی را بیش از نیازمان خریداری کنیم؟

اگر خانواده‌ای دو برابر مقدار همیشگی مواد خوراکی خرید کند، یا باید تمام آن را تا خراب نشده مصرف کند – که نتیجه‌اش پرخوری، افزایش وزن و بیماری‌های مختلف است – یا اینکه مقدار اضافی را دور بریزد که این هم اسراف و هدر دادن نعمت‌های الهی است و فقر و محرومیت را به دنبال دارد. از نظر اجتماعی نیز خرید بیش از نیاز کالا، موجب کمیاب شدن آن می‌شود. کمیاب شدن کالا، قیمت آن را افزایش می‌دهد. به این ترتیب با رشد مصرف‌گرایی، کالاها هر روز گران‌تر می‌شود و توانایی خرید مردم کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، مصرف‌گرایی موجب وابستگی به کشورهای بیگانه نیز می‌شود؛ چرا که چاره‌ای جز واردات دائمی کالاها از کشورهای دیگر باقی نخواهد ماند و اگر ملتی به دیگران وابسته شود چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های آنها نخواهد داشت.

راه درمان مصرف‌گرایی

با توجه به نتایج ناپسند مصرف‌زدگی و اسراف، عاقلانه‌ترین راه این است که:

۱- در انتخاب اجناس به تجربه خود و اطرافیان بیشتر از آگهی‌های تبلیغاتی اعتماد داشته باشیم.

۲- به شایعاتی که درباره گران شدن یک کالا در آینده می‌شنویم توجه نکنیم.

۳- بدانیم که خرید اجناس گران قیمت هرگز بر ارزش و شخصیت انسان نمی افزاید.
۴- توجه داشته باشیم «مُد»هایی که با زرق و برق فراوان خودشان را به جامعه تحمیل می کنند، خیلی زود از بین می روند و جایشان را به مُدهای دیگر می دهند. پس زندگی خود را براساس این الگوهای متزلزل بنا نکنیم.



شما نیز با کمک هم گروهی های خود، برخی از راهکارهای
مقابله با مصرف گرایی را بیان کنید.

مُد گرایی

شرکت های بزرگ، برای اینکه هر روز فروش خود را بیشتر و بیشتر کنند، با استفاده از انواع تبلیغات روانی^۱ چنین وانمود می کنند که کالای آنها ویژه است و اگر شما آن را نداشته باشید از جامعه عقب مانده اید! این تبلیغات سبب می شود بسیاری احساس کنند واقعاً در زندگی خود آن کالا را کم دارند و چاره ای جز خرید آن نیست. اما هنوز مدت زیادی از خرید نگذشته است که کالای دیگری جای آن را می گیرد و تبلیغات بر خرید کالای جدید متمرکز می شود. به این ترتیب، مردم در رقابتی که هیچ گاه پایان نمی پذیرد باید به دنبال کالای جدید و جدیدتر باشند و حتی برای تهیه پول آن، به دنبال قرض و وام می روند.

اصلی ترین شگرد این شرکت های بزرگ برای جذب مخاطبان، مُد سازی است. مُدها الگوهای هستند که با روش های گوناگون مردم را متقاعد می کنند تا مانند آنها رفتار کنند. مُدسازها معمولاً این الگوها را از میان ورزشکاران، هنرپیشگان و شخصیت های مشهور انتخاب می کنند و از آنان می خواهند تبلیغ کننده کالای آنها شوند. آنان به مردم چنین القا می کنند که اگر شما هم می خواهید مانند این افراد مورد توجه دیگران باشید، باید از کالایی که آنها تبلیغ می کنند، استفاده کنید. نکته مهم این است که نوجوانان و جوانان به دلیل تنوع طلبی و نوگرایی – که از ویژگی های دوران سنی آنهاست – در مواجهه با مُدها تأثیرپذیری بیشتری نسبت به سایر اقشار جامعه از خود نشان می دهند.

۱. تابلوهای بزرگ تبلیغاتی که در خیابان ها، بزرگراه ها و جاده های بیرون از شهر نصب شده اند، آگهی های متعدد روزنامه ای، پیام های پُر شمار تلویزیونی و حتی پیامک های تبلیغاتی که به تلفن های همراه ارسال می شود به راحتی این فضا را ایجاد می کنند.

مدگرایی علاوه بر آسیب‌های اقتصادی که بر جامعه وارد می‌کند، پایه‌های فرهنگی جامعه را نیز سست می‌کند؛ چرا که این الگوها در تعارض کامل با فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی قرار دارند و روشی که برای زندگی معرفی می‌کنند، برخلاف توصیه‌های ادیان الهی است. تقلید از این الگوهای وارداتی که به فرهنگ‌های بیگانه تعلق دارند، رفته رفته سلیقه و طرز فکر انسان مسلمان را تغییر می‌دهد و او را به دنباله‌روی کورکورانه از فرهنگ بیگانه سوق می‌دهد. این از خود بیگانگی را می‌توان در پوشش و نوع زندگی برخی افراد در جامعه خودمان نیز مشاهده کرد؛ افرادی که نمی‌دانند نوشته‌ای که روی پیراهن آنها نقش بسته چه معنایی دارد یا از پیام نوع آرایشی که به آن علاقه‌مندند هیچ اطلاعی ندارند و تنها به این دلیل که «مُد است» آن را انتخاب کرده‌اند.



به کمک هم‌گروهی‌های خود نمونه‌هایی از تقلیدهای ناآگاهانه از مدهای بیگانه را که در جامعه امروز ما رواج دارد بیان کنید. به نظر شما این‌گونه تقلیدها چه تأثیری بر روی شخصیت و رفتار فرد می‌گذارد؟



- ۱- پنج نمونه از رفتارهای اسراف‌آمیز را که در جامعه رواج بیشتری دارد بنویسید.
- ۲- مصرف‌گرایی چه زبان‌های فردی و اجتماعی به دنبال دارد؟
- ۳- توضیح دهید اسراف و مصرف‌زدگی چگونه یک جامعه را به وابستگی می‌کشاند.
- ۴- روش صحیح مصرف از نظر اسلام چیست؟

پیشنهاد

داستان یا خاطره‌ای را از روش زندگی شخصیت‌های بزرگ دینی در پرهیز از اسراف بنویسید و برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

الهی

خدایا،

توفیق ده تا میانه روی را در زندگی پاس دارم،
و اسراف و تبذیر را واگذارم.

خدایا،

به من کمک کن تا از هر آنچه روزی من ساخته‌ای،
به اندازه مصرف کنم.
ثروت و مال را در حد نیاز، نگه دارم،
و بیش از آن را در راه تو انفاق کنم.
و آن را برای روز نیازم در آخرت پیش فرستم.

خدایا،

مرا بازدار از اینکه
ناآگاهانه از سبک زندگی دیگران تقلید کنم؛
و لباسی بپوشم که تو نمی پسندی؛
و چیزی را بخرم که به آن نیاز ندارم.

دو سرمایه گرانبها

۱۰

اعداد زیر را یک بار بخوانید :

۱۰۰۱

۱۰۰۲

۱۰۰۳

۱۰۰۴

۱۰۰۵

وقتی مشغول خواندن اعداد بالا بودید پنج ثانیه از عمرتان گذشت!

تا حالا به حرکت ابرها توجه کرده اید؟

ابرها با سرعت زیاد توسط باد جابه جا می شوند، ولی ما معمولاً متوجه سرعت حرکت آنها

نمی شویم. چه چیزهای دیگری را می شناسید که گذشتن آنها مانند حرکت ابرها باشد؟

... سوت شروع مسابقه به صدا درمی‌آید و بازی آغاز می‌شود!
 در تیم اول هر کدام از بازیکنان وظیفه خود را می‌شناسند و آماده‌اند که با شروع بازی، دستورات
 مربیان خود را مو به مو در زمین اجرا کنند. برنامه آنها برای پیروز شدن در مسابقه این است که از همان
 دقیقه اول، با تمام قدرت بازی کنند و هیچ فرصتی را از دست ندهند.
 اما در تیم دوم، بازیکنان هنوز بازی را جدی نگرفته‌اند و تلاش چندانی از خود نشان نمی‌دهند.
 آنها با خودشان می‌گویند: حالا ۹۰ دقیقه وقت داریم ...



شما نتیجه بازی را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟
 تصور کنید وقتی سوت پایان بازی به صدا درمی‌آید، بازیکنان تیم دوم که فرصت‌های خود را از
 دست داده‌اند، همه به دور داور جمع شوند و بگویند: ما اصلاً حواسمان به زمان بازی نبود و نفهمیدیم
 چطور مسابقه تمام شد. چند دقیقه دیگر به ما فرصت بدهید تا موقعیت‌های از دست‌رفته را جبران
 کنیم. دوباره سوت بزنید تا مسابقه را ادامه دهیم! ...
 به نظر شما داور این مسابقه چه پاسخی به این درخواست خواهد داد؟



به نظر شما زندگی ما در دنیا، چه شباهتهایی با یک مسابقه فوتبال دارد؟ تفاوت‌های این دو در چیست؟

عُمر، فرصتی برای ...

خداوند دربارهٔ کسانی که ارزش واقعی عمر خود را نمی‌دانند و فرصت‌های زندگی را بی‌دلیل از دست می‌دهند و با دست خالی از این دنیا می‌روند، می‌فرماید :

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ...^۱
هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد،
می‌گوید پروردگارا! مرا [به دنیا] برگردان
شاید، کارهای شایسته‌ای را که ترک کرده بودم به جای
آورم.
هرگز؛ [چنین بازگشتی در کار نیست]! این سخنی است
که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون
گذشته است]!

کسی که می‌داند نعمت‌های بهشت، پاداش کارهای نیک او در این دنیاست، از فرصتی که در اختیار دارد چگونه استفاده می‌کند؟
راستی اصلاً کسی می‌داند تا چه زمانی برای جمع‌آوری توشه در این دنیا وقت دارد؟
حضرت علی علیه السلام می‌فرماید :

فرصت‌ها مانند ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های خوب را غنیمت

شمیرید.^۲

۱. سورهٔ مومنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شمارهٔ ۲۲.

برخی عوامل هدر دادن عمر

در زندگی ما عواملی وجود دارند که موجب می‌شوند ما از عمر خود به نحو شایسته استفاده نکنیم و در واقع آن را هدر دهیم؛ در اینجا با چند مورد آشنا می‌شویم:

۱- بی‌حالی و تنبلی: معمولاً کسانی که در طول شبانه‌روز ورزش نمی‌کنند و کارهایشان را با برنامه انجام نمی‌دهند بی‌حوصله و بی‌حال هستند. اینان اهمیتی به وقت خود و دیگران نمی‌دهند و ساعت‌ها و روزهای فراوانی از زندگی خود را کاملاً هدر می‌دهند.

۲- امروز و فردا کردن: کسی که در زندگی برنامه ندارد و هدفی برای خود تعیین نکرده است کارهایش را در وقتش انجام نمی‌دهد و همواره امروز و فردا می‌کند. مشخص نیست فردایی که مورد نظر آنهاست چه زمانی فرا خواهد رسید. امروزهای این افراد به امید فردایی که نمی‌رسد از دستشان می‌رود.

۳- بی‌توجهی به اولویت‌ها: اگر در زندگی برای انسان اولویت کارها مشخص نباشد و هر وقت هر کاری که به ذهنش رسید را انجام دهد، در این صورت کارهای مهم از قلم می‌افتد و دیگر فرصتی هم برای انجام آنها باقی نخواهد ماند. بی‌توجهی به اولویت‌بندی کارها موجب می‌شود انسان در کارهای خود عجله داشته باشد؛ چون همواره احساس می‌کند وقتش کم است و باید همه کارها را انجام دهد، در صورتی که اگر با برنامه و اولویت‌بندی کارهایش را انجام دهد، همگی را می‌تواند با صبر و حوصله و با استواری کامل به سرانجام برساند.

۴- معاشرت با افراد بی‌نظم: معاشرت با کسانی که در زندگی خود از هیچ برنامه و هدفی پیروی نمی‌کنند موجب می‌شود ما نیز مانند آنها رفتار کنیم و ارزش زندگی خود را ندانیم. به دلیل تأثیر فراوانی که همنشین بر انسان دارد، توصیه‌های فراوانی برای دقت در انتخاب دوست و همنشین صورت گرفته است.



به کمک دوستانتان عوامل دیگری که موجب هدر رفتن عمر انسان می‌شود را نام ببرید. به نظر شما راهکار مبارزه با این عوامل چیست؟



پس اولین سرمایه ما برای خوشبختی در دنیا و آخرت همین زندگی و عمر است که اگر کسی از آن محروم شود، از نعمت‌های دیگر نیز نمی‌تواند هیچ استفاده‌ای کند. آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟

اگر کمی فکر کنیم می‌بینیم که همه موجودات از نعمت عمر برخوردارند، حال چه چیزی موجب شده است انسان از سایر موجودات متفاوت باشد؟

نعمت اندیشیدن

یکی از تفاوت‌های انسان با حیوانات و گیاهان، قدرت عقل و اندیشیدن است. ما انسان‌ها می‌توانیم با استفاده از این نعمت ارزشمند، علاوه بر خوشبختی در دنیا به راه‌های پیشرفت خود در زندگی خوب بیندیشیم و با کمک پیامبران الهی بهترین راه را برای رستگاری خود انتخاب کنیم.

تفکر در آیات الهی آن چنان اهمیتی در دین اسلام دارد که پیامبر اعظم ﷺ آن را از بسیاری عبادت‌های دیگر بالاتر دانسته و می‌فرماید:^۲

ساعتی تفکر [در نشانه‌های خداوند]، از ساعت‌های طولانی عبادت کردن

[بدون تفکر] برتر است.^۳

البته متأسفانه در میان انسان‌ها کسانی هستند که توانایی اندیشیدن دارند، ولی از این نعمت خداوند استفاده نمی‌کنند. چشم دارند، ولی از آنچه می‌بینند عبرت نمی‌گیرند، گوش دارند، ولی برای شنیدن دستورات خداوند از آن استفاده نمی‌کنند.

خداوند این گروه از انسان‌ها را که (دل‌هایشان) کر و لال است، از چهار پایان هم گمراه‌تر دانسته^۴ و آنها را بدترین موجودات^۵ معرفی می‌کند.

تفکر چیست و چه خاصیتی دارد که اگر انسان نداشته باشد، از حیوان هم پست‌تر می‌شود؟

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

تفکر انسان را به سوی نیکی و عمل به آن فرا می‌خواند.^۶

اگر انسان به خوبی در این باره بیندیشد که کارهایش توسط خداوند ثبت و ضبط می‌شود و باید

۱. آیات: نشانه‌ها

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۴.

۳. البته فراموش نکنیم که در دین اسلام هیچ عملی نمی‌تواند جایگزین عبادت‌های واجب (مانند نمازهای روزانه و عبادت‌های واجب دیگر) شود.

۴. سوره فرقان، آیه ۴۴.

۵. سوره انفال، آیه ۲۲.

۶. کافی، ج ۲، ص ۵۵.

نسبت به تمام کارهایش در نزد خداوند پاسخگو باشد؛
اگر ببیندش که نعمت عمر فقط یک بار به او عطا شده است و بار دیگر فرصت زندگی در این دنیا به او داده نخواهد شد؛

اگر ببیندش که با هر حرف و رفتارش می‌تواند دلی را شاد کند یا از خود برنجاند؛
به یقین این اندیشه‌ها سرانجام او را سمت کارهای نیک می‌کشاند و او را از مسیر گناه دور می‌کند. اما اگر کسی درباره این موضوعات فکر نکند، و بدون دوراندیشی عمل کند، سرانجامی جز حسرت و پشیمانی نخواهد داشت.



چند کار اشتباه که معمولاً انسان‌ها در زندگی خود انجام می‌دهند را نام ببرید و نتایج و عواقب آنها را بیان کنید. به نظر شما اگر انسان‌ها قبل از انجام این گونه کارها به نتایج آن فکر می‌کردند، باز هم آنها را انجام می‌دادند؟



- ۱- بین حرکت ابرها و گذشتن زمان چه شباهت‌هایی وجود دارد؟
- ۲- آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟ توضیح دهید.
- ۳- خداوند حکیم چه کسانی را از چهارپایان نیز گمراه‌تر معرفی می‌کند؟ چرا؟
- ۴- سه مورد از عوامل هدر دادن عمر را بیان کنید.

الهی

خدایا، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست،
و تا هنگامی که عمر من در اطاعت توست،
عمری طولانی به من عطا کن،
و هرگاه زندگانی من چراگاه شیطان شد،
جانم را قبل از پیشی گرفتن عذابت، بگیر^۱
خدایا، ای، بخشنده ای که به من توانایی فکر کردن بخشیدی؛
یاری ام کن که بدون فکر، کاری نکنم.
ای که تفکر را سرمایه من قرار دادی؛
و هیچ عبادتی را از آن برتر ندانستی؛
اندیشه ام را وسیله هدایتم قرار ده.^۲

۱. صحیفه سجاده، دعای بیستم.

۲. اقتباس از کتاب خدای من (با اندکی تلخیص)

توانایی سخن گفتن یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند به انسان است. انسان از این طریق، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، نیازها و درخواست‌هایش را بازگو می‌کند، با دیگران مشورت می‌کند، احساسات خود را بیان می‌کند و دیگران را راهنمایی می‌کند. از سوی دیگر، انسان گاهی نیز با سخن گفتن دیگران را اذیت می‌کند، دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و گناهان متعددی را مرتکب می‌شود. در واقع، سخن گفتن شخصیت درونی انسان را آشکار می‌سازد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که سخن می‌گویید شناخته می‌شوید؛ زیرا انسان زیر زبان خود پنهان است.^۱



به نظر شما، نعمت سخن گفتن چه تأثیری در زندگی انسان در این دنیا و جهان آخرت دارد؟
آیا همه از نعمت سخن گفتن به درستی استفاده می‌کنند؟

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۲.

ما در ادامه این درس، به بررسی برخی از گناهان زبان می‌پردازیم که می‌توانند تأثیرات خطرناکی بر سعادت انسان داشته باشند و از سوی دیگر ترک آنها و آلوده نشدن به این گناهان موجب رستگاری و دست یافتن به بهشت زیبای خداوند می‌شود:

۱- دروغ گفتن: در سال پیش دانستیم که دروغ‌گویی علاوه بر اینکه عذاب الهی را در روز جزا در پی دارد، در همین دنیا نیز سبب از بین رفتن اعتماد دیگران نسبت به فرد و تنهایی او می‌شود. دروغگو یا می‌خواهد به وسیله دروغ چیزی را به دست آورد یا قصد دارد خودش را از مشکلی رهایی بخشد. فرد دروغگو در این حالت فراموش می‌کند که هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خداوند نیست و تا او نخواهد هیچ سود و ضرری به کسی نخواهد رسید.

نکته مهمی که باید به آن توجه کنیم این است که گاهی افراد بدون آنکه خودشان متوجه باشند دروغ می‌گویند؛ مثلاً به دلیل علاقه‌ای که به فرد دیگری دارند، در تعریف کردن از او زیاده‌روی می‌کنند، یا به سبب دشمنی که با کسی دارند، بدون اینکه حواسشان باشد، از سر دشمنی و کینه دروغ می‌گویند، در تمامی این موارد افراد با دروغ خود را در معرض گناهان فراوانی قرار می‌دهند.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

زشتی‌ها همگی در خانه‌ای جمع شده‌اند که کلید آن دروغ است.*^۱

ائمه علیهم السلام همواره تأکید داشته‌اند که دروغ گفتن موجب نابودی ایمان می‌شود و انسان را از هدایت الهی محروم می‌سازد. همچنین دروغ، حافظه انسان را ضعیف می‌کند و به قول مشهور، «دروغگو کم حافظه است». از سوی دیگر عادت به دروغ گفتن، موجب فقر و تنگدستی انسان نیز می‌شود؛ چرا که برکت از زندگی انسان می‌گریزد.

کسی می‌تواند دروغ گفتن را ترک کند که همواره قبل از سخن گفتن به عواقب گفتارش بیندیشد. همچنین در ترک عادت زشت دروغ گفتن، دوری از کسانی که دروغ می‌گویند، تأثیر فراوانی دارد.

بیشتر بدانیم

تعارف دروغین

گاهی برخی افراد در تعارفات به دروغ، مطلبی را می‌گویند و تصوّر می‌کنند چون تعارف است اشکالی ندارد؛ مثلاً وقتی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کنند، درحالی‌که واقعاً دوست دارد از آن غذا بخورد می‌گوید: «میل ندارم» گاهی هم فقط از روی عادت، از دیگران دعوت‌های بی‌مورد می‌کند و چیزی را به آنها

۱. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳. *روایت حفظ شود.

تعارف می‌کند. در صورتی که ائمه علیهم‌السلام این شیوه رفتار را تأیید نمی‌کنند:

اسماعیل پسر امام صادق علیه‌السلام می‌گوید:

به همراه پدرم به طرف منزل می‌آمدیم و یکی از اصحاب نیز همراه ما بود و با ایشان صحبت می‌کرد. وقتی به خانه رسیدیم پدرم با او خداحافظی کرد و داخل خانه شدیم.

به ایشان گفتم: پدرجان، بهتر نبود او را دعوت می‌کردید به خانه بیاید؟

امام فرمود: اکنون در وضعیتی نیستیم که بتوانم از او پذیرایی کنم.

من گفتم: اما اگر تعارف می‌کردید او هم واقعاً نمی‌آمد.

امام فرمود: پسر، من نمی‌خواهم خداوند مرا از گروه تعارف‌کنندگان دروغین به شمار آورد.^۱



۲- غیبت کردن: بدگویی پشت سر دیگران و آشکار ساختن عیب‌های آنان یکی از بزرگ‌ترین

گناهان نزد خداوند است که عذاب سخت الهی را در پی دارد. برخی از مردم به اشتباه گمان می‌کنند که سخن آنها وقتی غیبت به شمار می‌رود که آنچه درباره دیگران می‌گویند، واقعیت نداشته باشد، در صورتی که اگر آن مطلب واقعیت نداشته باشد هم تهمت و هم دروغ می‌شود. اما نکته اصلی این است که حتی وقتی ما با چشم خودمان هم چیز ناپسندی را از کسی می‌بینیم، حق نداریم آن را برای دیگران بازگو کنیم.

قرآن کریم درباره این عمل زشت می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ...

و لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضًا

أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

مرده‌اش را بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ

وَاتَّقُوا اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ^۲

همه شما از این امر کراهت دارید

و از خدا پروا کنید،

که خدا توبه‌پذیر مهربان است

۱. سورة هجرات، آیه ۱۲.

۲. المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۷.

به نظر شما چرا غیبت کردن جزء گناهان بزرگ محسوب می‌شود و بسیار نهی شده است؟ در اسلام توصیه فراوانی به برادری، مودت و صمیمیت می‌شود؛ بنابراین، تعاون و رفاقت میان مسلمانان اهمیت بسیاری دارد و هرکاری که سبب جدایی و دشمنی میان آنان باشد حرام است. وقتی افراد دربارهٔ همدیگر غیبت می‌کنند، کینه و ناراحتی نسبت به یکدیگر را در دل خود می‌پروراند و دیگر نمی‌توانند مانند گذشته با هم دوست و متحد باشند. کسانی که به غیبت گوش می‌دهند نیز دیگر نمی‌توانند مانند گذشته به فردی که درباره‌اش بدگویی شده اطمینان داشته باشند. از این گذشته، کسی که اشتباهی کرده و دوست ندارد دیگران آن اشتباه را بدانند، ممکن است به زودی کار اشتباهش را جبران کند؛ اما همین فرد اگر بداند که همه از عیب‌های او با خبر شده‌اند و دیگر کسی به او اعتماد ندارد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند تا اشتباهش را ترک کند و به این ترتیب، می‌تواند هر گناه دیگری را نیز مرتکب شود و این یعنی نابودی و هلاکت!

همچنین غیبت نوعی تبلیغ و اشاعهٔ کارهای ناپسند است که در این دنیا دین انسان را نابود می‌کند. خداوند در مجازات غیبت‌کننده، کارهای نیکش را به حساب کسی که از او غیبت شده می‌نویسد و توفیق انجام کارهای نیک را نیز از غیبت‌کننده می‌گیرد. بهترین راه درمان غیبت این است که انسان هیچ‌گاه از عیب‌ها و کاستی‌های خود غافل نباشد، و به جای اینکه در دیگران به دنبال ایراد بگردد، تلاش کند عیوب خود را برطرف سازد.



اگر در میان جمعی باشیم که از یک مسلمان غیبت می‌کنند، چه مسئولیتی داریم؟

بیشتر بدانیم

غیبت با دهان بسته!

شایسته است توجه داشته باشیم که غیبت کردن همیشه با زبان نیست؛ بلکه گاهی یک اشارهٔ دست، یا صورت، یا تقلید از یک حرکت و رفتار اشخاص نیز می‌تواند غیبت به شمار آید. روزی زنی کوتاه‌قد نزد پیامبر خدا ﷺ آمد تا از ایشان سؤالی بپرسد. وقتی جواب سؤالش را از پیامبر اکرم دریافت کرد و برگشت، یکی از حاضران آهسته و با اشاره دست، کوتاه‌قد آن زن را نشان داد. پیامبر رحمت فرمود: تو با این کار غیبت او را کردی.^۱

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۰.

۳- ناسزاگویی: یکی دیگر از گناهان زبان، فحاشی و زشت‌گویی است. وقتی شخصی نسبت به دیگری فحاشی می‌کند و نسبت‌های زشت به او می‌دهد، ناخواسته بذر کینه و دشمنی را در دل او می‌پاشد. بسیاری از نزاع‌ها و درگیری‌ها با یک دشنام آغاز می‌شود.

رواج کلمات زشت و فحاشی در جامعه سبب می‌شود که حیا از میان برود و زمینه برای افزایش گناهان دیگر فراهم شود. به همین دلیل است که بزرگان دین همگان را از این عمل زشت نهی کرده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خداوند بهشت را بر هر فحش دهنده بدزبان که برایش مهم نیست چه می‌گوید و دیگران درباره او چه می‌گویند حرام کرده است.*^۱

کسانی که فحش می‌دهند، معمولاً وقتی این عمل زشت را انجام می‌دهند که:

– عصبانی می‌شوند و نمی‌توانند خشم خود را مهار کنند؛ فحش می‌دهند و هر قدر این رفتار را تکرار می‌کنند، در آنان بیشتر به عادت تبدیل می‌شود.

– قصد شوخی دارند و می‌خواهند دیگران را بخندانند و از اینکه دیگران از گفته زشت آنان به خنده می‌افتند، لذت می‌برند.

البته برخی نیز به دلیل تربیت نادرست، سخنان زشت را به زبان می‌آورند و این کار برای آنان تبدیل به عادت شده است.

به نظر شما راه درمان بیماری فحاشی چیست؟

علمای اخلاق برای ترک این عادت ناپسند که موجب آلودگی روح انسان و دوری او از سعادت می‌شود، راهکارهایی ارائه کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

– دوری از کسانی که فحش می‌دهند و عادت به این کار دارند.

– اندیشیدن به اینکه چه کار زشت و ناپسندی انجام می‌دهند.

– توجه داشتن به اینکه با فحش دادن چه برکاتی از زندگی آنان حذف می‌شود و در نهایت نیز رستگار نمی‌شوند.

در این صورت است که انسان می‌تواند با عادت دادن زبان خود به کلمات زیبا و دلنشین و بی‌بردن به زشتی فحش، برای همیشه آن را ترک کند.

۱. تحف العقول، ص ۴۴. * حفظ شود.

به نظر شما بهترین واکنش در برابر کسی که عادت به فحش دادن دارد،

چیست؟

بیشتر بدانیم

همه به او می‌گفتند: «رفیق امام صادق علیه السلام»

آن روز هم مثل همیشه در راه با امام صادق علیه السلام صحبت می‌کردند که وارد بازار شدند. خدمتکارش نیز پشت سر آنها حرکت می‌کرد. در میانه راه ناگهان برگشت و پشت سرش را نگاه کرد، اما خدمتکارش را ندید. مقداری که راه رفتند دوباره برگشت، ولی باز هم خبری از خدمتکارش نبود. وقتی برای سومین بار پشت سرش را نگاه کرد و باز هم او را - که حواسش به مغازه‌ها بود و کمی عقب مانده بود- ندید خیلی عصبانی شد. کمی بعد وقتی چشمش به خدمتکارش افتاد با خشم دشنام زشتی به پدر و مادر او داد و گفت: «تا حالا کجا بودی؟»

تا این جمله از دهانش خارج شد، امام صادق علیه السلام دستش را به علامت تعجب بلند

کرد و بر پیشانی خود زد و فرمود:

سبحان الله؛ تو به او و خاندانش چنین دشنامی می‌دهی؟ من تو را

به تقوا و پرهیزکاری می‌شناختم. اما اکنون معلوم شد که در تو تقوایی نیست.

مرد فوراً جواب داد:

ای فرزند رسول خدا، این

مرد اهل سرزمین‌های کفر

است و پدر و مادرش نیز

اهل آنجا هستند. آنها

اصلاً مسلمان نیستند.



امام باز هم او را نصیحت کرد، اما آن مرد زیر بار نمی‌رفت.
پس از اینکه مشخص شد او فردی فحاش است و نه تنها از عمل زشت خود پشیمان نیست؛ بلکه از این کار دفاع هم می‌کند، امام از او جدا شد و دیگر کسی او را با امام صادق علیه السلام ندید.^۱



- ۱- دو مورد از عواقب دروغ گفتن را بیان کنید.
- ۲- رواج غیبت در جامعه چه آثار شومی بر روابط مردم با یکدیگر خواهد گذاشت؟
- ۳- چه راهکارهایی برای درمان عادت زشت ناسزاگویی وجود دارد؟

پیشنهاد

پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید :

- ۱- کسی که از روی غفلت مرتکب غیبت شده‌است، چگونه می‌تواند این گناه بزرگ را جبران کند؟
 - ۲- آیا مواردی وجود دارد که بازگویی عیب‌های افراد جایز شمرده شده باشد؟
- درباره این پرسش‌ها با افراد آگاه گفت‌وگو کنید و در جلسه بعد، پاسخ را برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.

۱. برگرفته از کافی، ج ۲، ص ۳۲۴.

الهی

خدایا،

تو خوب می‌دانی که
گاهی دروغ گفته‌ام،
گاهی نسبت کرده‌ام،
گاهی به دیگران ناسزا گفته‌ام،
و می‌دانم که همه اینها نزد تو زشت و کناه است.

مهربانا،

یاری‌ام کن تا هیچ‌گاه مرتکب این گناهان نشوم
و اگر به خطا مرتکب شدم، به سرعت از آن به سوی تو بازگردم؛
یاری‌ام کن تا قبل از هر سخنی درباره آثارش بیندیشم.

خدایا،

به من توفیق ده به اصلاح عیب‌های خود پردازم،
تا از پرداختن به عیب‌های دیگران بازمانم و مردم، از من و زبانه در آسایش باشند.

تو هم اگر می‌خواهی چند کلام با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

عبادت بزرگ

«... قدم هایش را تندتر کرد. می خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. در این بعد از ظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین طور که با عجله راه می رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در زمین کشاورزی اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی! مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این گونه خودش را برای به دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم. کمی که نزدیک تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می بینم؟ او محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) است؟! بین چگونه عرق می ریزد و کار می کند؟!»

— سلام علیکم

امام علیه السلام ایستاد. نفس زنان و عرق ریزان جواب سلامش را داد و دوباره

مشغول به کار شد.

— آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق

بریزد و به دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و

شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟!

حضرت لحظه ای دست از کار کشید و فرمود:

«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال

عبادت خدا از دنیا رفته ام. من تلاش می کنم تا با



کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد. سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباهم بی‌بردم...»^۱



ثمرات کار و کوشش

کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه جزء عبادت‌های بزرگ قرار دارد.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، کار و کسب حلال است.*

فایده دیگر کار کردن، توانایی برای انفاق، سخاوتمندی و مشارکت در کارهای خیر است. شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوتمندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟ آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوتمندانه در کارهای خیر خرج کند؟ یکی دیگر از ثمرات کار، برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است. کار و اشتغال مناسب می‌تواند از بسیاری از جرائم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت‌های خیابانی و تکدی‌گری جلوگیری کند.



به نظر شما بیکاری چه مشکلات دیگری در جامعه به وجود می‌آورد؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان پرسید: کسی از راه حرام مالی را به دست می‌آورد و برای اینکه گناهش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می‌دهد، به نزدیکانش رسیدگی می‌کند و به زیارت خانه خدا می‌رود. این کارهایش نزد خداوند چگونه است؟

امام علیه السلام فرمود:

آنچه گناهان را پاک می‌کند، کارهای نیک است، اما کار حرام

نمی‌تواند حرام دیگری را پاک کند.^۲

بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می‌شود که حتی اگر همه آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی‌شود؛ بلکه گناهی به گناهانش افزوده خواهد شد.

۱. جامع الأخبار، ص ۱۳۹. * حفظ شود. ۲. کافی، ج ۵، ص ۱۲۶.

آیا می‌توانید حدس بزنید وارد شدن اموال حرام به زندگی انسان، چه تأثیرات دیگری بر زندگی او خواهد داشت؟



مردی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، از خداوند بخواهید دعاهای مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر می‌خواهی به این خواسته‌ها برس، کسب و کار حلال در پیش بگیر. این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می‌کند: پیام: مستجاب نشدن دعاها.

اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونه بالا، پیام هر حدیث درباره مال حرام را بنویسید.

۱- امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام: مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.^۱

پیام:

۲- امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام: کسی که اموالش را از راه نادرست به دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می‌دهد.^۲

پیام:

خیانت در کار

اگر انسان اموالش را از راه حرام مانند دزدی، قمار، خرید و فروش اجناس قاچاق به دست آورد، آن اموال حرام است و کسی حق استفاده از آنها را ندارد.

اما گاهی اوقات انسان با اینکه شغل خوب و حلالی دارد، اموالی که از آن شغل به دست می‌آورد حرام است؛ مثلاً کسی که وسیله بی کیفیت را در بسته بندی وسیله خوب و با کیفیت قرار می‌دهد و آن را با قیمتی بیشتر می‌فروشد، به همان مقدار که پول بیشتری دریافت می‌کند مال او حرام می‌شود و

۱. همان. ۲. غررالحکم.

واجب است آن را به خریدار برگرداند؛ و یا کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد؛ اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، پولی که دریافت می‌کند، حق او نیست و استفاده از آن پول برایش حرام است؛ بنابراین، انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی‌توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود.
خداوند دربارهٔ این افراد می‌فرماید :

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ

وای بر کم‌فروشان،

الَّذِينَ إِذَا اِكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ أَنَا كَمَا وَجَدْتَهُمْ يَكُونُونَ لِمَكَ

را به‌طور کامل می‌گیرند،
و هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا
وزن کنند، کم می‌گذارند.

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

و هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا
وزن کنند، کم می‌گذارند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

آیا اینان نمی‌دانند که زنده می‌شوند؟
در روزی بزرگ،

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

روزی که همه مردم در برابر پروردگار جهانیان
[برای حساب] بایستند.

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ



- ۱- کار کردن چه فوایدی برای فرد و جامعه دارد؟ سه مورد را بیان کنید.
- ۲- چند کار نام ببرید که درآمد آنها حرام است.
- ۳- سه شغل حلال نام ببرید که ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام شود.
- ۴- کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی انسان دارد؟

پیشنهاد

داستان بازار سیاه (داستان شماره ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوانید و آن را برای دوستانتان بازگو کنید.

بیشتر بدانیم

برو کار می کن ...

دیگر طاقتش تمام شده بود. آن قدر فقیر شده بود که حتی نمی توانست برای کودکانش غذای تهیه کند. نمی دانست چه کار کند.

— فقط همین یک راه برایمان باقی مانده است. امروز نزد پیامبر برو و از او کمک بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.

این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری به نظرش نمی رسید. به مسجد آمد. رسول خدا با عده ای از اصحاب نشسته بود و مشغول گفت و گو بود.

گوشه ای نشست. منتظر بود تا اطراف پیامبر خلوت شود و بتواند مشکل را با ایشان در میان بگذارد. در این میان ناگهان پیامبر خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود:



«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»

— یعنی منظور پیامبر چه بود؟ آیا با من بود؟

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. اما تا فردا هیچ اتفاقی نیفتاد و فقر و گرسنگی مانند روزهای پیشین به او و خانواده‌اش فشار آورد. فردا دوباره با همان نیت قبلی به مسجد آمد. باز هم رسول خدا بدون اینکه اشاره‌ای به او کند فرمود:

«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»

دیگر مطمئن بود که منظور پیامبر خود اوست. باز هم بی‌آنکه چیزی بگوید به خانه بازگشت.

وقتی فردای آن روز برای سومین بار نزد پیامبر خدا رفت و باز هم همین کلمات را از ایشان شنید، با خودش گفت:

— حتماً در این جملات رسول خدا حکمتی است که هر بار همین سخن را تکرار می‌کند. دیگر از هیچ کس کمک نخواهم خواست. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرویی که خداوند در خودم قرار داده است استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم در این راه به من کمک کند تا از این پس، هرگز دست نیاز به سوی کسی دراز نکنم.

به خانه آمد. با خودش فکر کرد از من چه کارهایی ساخته است؟

— حداقل می‌توانم به صحرا بروم و مقداری هیزم بیاورم و بفروشم.

از همسایه‌اش تیشه‌ای امانت گرفت. به صحرا رفت و مقداری هیزم جمع‌آوری کرد و به شهر برد و فروخت و برای اولین بار پس از مدتی طولانی حاصل دسترنج خود را به خانه برد.

همین کار را مدتی ادامه داد تا اینکه توانست به مرور زمان برای خودش تیشه و وسایل کار و یک حیوان بارکش بخرد. همین طور کار کرد و کار کرد تا اینکه بالاخره برای خودش صاحب سرمایه شد.

روزی رسول خدا به او رسید و تبسم‌کنان فرمود:

«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»^۱

۱. برگرفته از کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

الہی

خدایا!

ای کریم روزی بخش،

ای کہ بہ من تلاش کردن آموختی،

تا دستان خالی ام را پر کنم،

و لذت بخشش بہ من چشاندی،

تا روزی ام را با دیگران قسمت کنم، تو را پاس.

پاس کہ سفرہ ام را بہ نان حلال آراستی،

و مرا از بخشش دیگران بی نیاز ساختی.

الہی یاری ام کن در حکام تو انگری تنها خود را نبینم.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند خود امام حسن علیه السلام می‌نویسد:

«... [پسرم] بدان، کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست، فرصت دعاکردن را به تو داده و جواب دادن به دعای تو را نیز بر عهده گرفته است.

تو را فرمان داده است از او بخواهی تا ببخشد و رحمت طلب کنی تا عطا کند.

هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی، راز تو را می‌داند، پس نیاز خود را با او بگو و اندوه خود را در پیشگاه او بگشای، تا غم‌هایت را برطرف کند و در مشکلات، تو را یاری رساند.

از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند؛ افزونی عمر، تندرستی بدن و گشایش روزی.

[پسرم]، خداوندی که به تو اجازه دعا کردن داده است، [در حقیقت] کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده است، پس هرگاه خواستی می‌توانی با دعا، درهای نعمتش را بگشایی، و رحمتش را بر خود نازل کنی!»^۱

چراغ همیشه فروزان

تصوّر کنید در حال مسافرت با هواپیما هستید. ناگهان هواپیما تکان‌های شدیدی می‌خورد و همه چیز به هم می‌ریزد. مهار هواپیما به دلیل نقص فنی از دست خلبان خارج می‌شود. در این لحظه که از هیچ‌کس کاری ساخته نیست چه می‌کنید؟ کاملاً طبیعی است که انسان در خطرها و مشکلات بزرگ، خدا را بخواند و از او یاری بخواهد، اما برخی به اشتباه تصور می‌کنند دعا کردن تنها مخصوص همین زمان‌هاست. براساس تعالیم قرآن، ما همیشه و در همه حال به خدا و یاری او نیازمندیم و بدون اجازه و خواست او نمی‌توانیم حتی کوچک‌ترین کارها را نیز انجام دهیم. به همین دلیل، پیشوایان دین دعاهایی به ما آموخته‌اند تا بتوانیم به این وسیله همواره با خدا ارتباط داشته باشیم و از یاری او بهره‌مند شویم. دعاهای روزهای هفته، دعاهای قبل از غذا خوردن و بعد از آن، دعای قبل از خواب، دعای وقت مطالعه، دعاهای هنگام وضو، دعای هنگام بیدار شدن، دعای سوار شدن به وسیله نقلیه و... اینها نمونه‌هایی از هزاران دعایی هستند که ارتباط انسان را در همه حال با خدای خود برقرار می‌سازند. دعا کردن آن قدر اهمیت دارد که خداوند از بندگانش می‌خواهد دعا کنند و خواسته‌های خود را از او بخواهند :

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»

پروردگارتان گفت: مرا بخوانید [دعا کنید] تا [دعای شما را] بپذیرم.

این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که دعا کردن باعث جلب توجه ویژه خداوند می‌شود و کسانی که دعا نمی‌کنند، در حقیقت، خود را از لطف خاص پروردگار محروم می‌کنند. دعا کردن همانند چراغ همواره فروزانی است که انسان را به پناهگاه اصلی و واقعی هدایت می‌کند.



به محتوای نماز دقت کنید و دعاهایی که در هر شبانه‌روز در نماز از خداوند می‌خواهید، بیان کنید. توجه داشته باشیم که صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و خاندان پاکش از بهترین دعاهاست.

۱. سورة غافر، آیه ۶۰.

ثمرات دعا و نیایش

ما با دعا کردن مورد توجه خداوند قرار می‌گیریم و علاوه بر بهره‌مندی از پاداش در روز قیامت، در همین دنیا نیز شایستگی دریافت نعمت‌های بیشتر خدا را به دست می‌آوریم.

امام صادق علیه السلام درباره این اثر مهم نیایش می‌فرماید:

نزد خداوند بلند مرتبه جایگاهی است که جز با دعا نمی‌توان به آن رسید. اگر بنده دعا نکند و از خداوند نخواهد، چیزی به دست نخواهد آورد، پس بخواه تا به تو عطا شود و این را بدان! هر دری که پیوسته کوبیده شود، بالاخره به روی انسان باز خواهد شد.^۱

فایده دیگر دعا کردن، آرامش روحی است. احساس اضطراب و ناامیدی، وقتی به سراغ انسان می‌آید که خود را در برابر سختی‌ها تنها ببیند و کسی را نیابد تا مشکلاتش را با او در میان بگذارد و از او یاری بطلبد.^۲

کسی که دعا می‌کند و در کنار تلاشش، تمامی نیازهای خود را از خداوند می‌خواهد، در واقع به خداوند ایمان دارد و می‌داند که فقط او می‌تواند مشکلاتش را حل کند؛ در این صورت او به پروردگار مهربان اعتماد و تکیه کرده است و چه تکیه‌گاهی قوی‌تر و مطمئن‌تر از خداوند قادر و مهربان؟ کسی که به آفریدگار تکیه می‌کند و او را یاریگر تمام مشکلاتش می‌بیند، هیچ اضطراب و غمی در زندگی نخواهد داشت و همواره در آرامش زندگی خواهد کرد.

آداب دعا

دعا آدابی دارد که رعایت آنها باعث جلب توجه بیشتر خداوند می‌شود و دعا زودتر به اجابت می‌رسد. برای آشنایی بیشتر با این آداب، احادیث زیر را که از پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام به ما رسیده با دقت بخوانید:

— اگر کسی می‌خواهد دعایش مستجاب شود، درآمدش را پاک گرداند و از زیر بار حقوق مردم بیرون برود. دعای بنده‌ای که در شکمش حرام باشد، یا حتی یکی از بندگان خدا به گردش باشد، به درگاه خداوند بالا نمی‌رود.^۳

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۶۷. ۲. الکسیس کارل، بزیشک و روان‌شناس مشهور در کتاب «نیایش» می‌نویسد: «فقدان نیایش در میان یک ملت، مساوی با سقوط آن ملت است و اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و نابودی در امان نخواهد بود. البته برای بهره‌مندی از آثار عمیق نیایش، این کار باید پیوسته و با توجه انجام گیرد، نه اینکه انسان صبح را با نیایش شروع کند، ولی بقیه روز را مانند حیوانات وحشی به سر برد». ۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱

— هرگاه درخواستی از خداوند سبحان داشتی، دعایت را با صلوات بر پیامبر آغاز کن؛ زیرا خداوند، کریم تر از آن است که کسی از او دو درخواست کند و او یکی را بپذیرد، و دیگری را نپذیرد.^۱

— در چهار وقت فرصت را برای دعا کردن غنیمت شمارید؛ هنگام قرائت قرآن، وقت اذان، هنگام باریدن باران و هنگام روبه رو شدن سپاه ایمان و لشکر کفر.^۲

— هرگاه امام باقر علیه السلام حاجتی داشت، ابتدا چیزی صدقه می داد و سپس خود را معطر می ساخت و به مسجد می رفت و آن گاه در هنگام اذان ظهر به دعا می پرداخت.^۳

— نزدیک ترین دعاها به اجابت، دعای کسی است که در دعاهای پنهانی اش ابتدا برای دیگران دعا می کند.^۴



با توجه به احادیثی که خواندیدیم، فهرستی از آداب دعا تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بیان کنید. می توانید بهترین فهرست را در کلاس نصب کنید.



ممکن است این پرسش برای شما هم به وجود آمده باشد که چرا گاهی اوقات با اینکه ما آداب

دعا را رعایت می کنیم، اما باز هم دعایمان مستجاب نمی شود؟

متن زیر که بخش دیگری از نامه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به فرزند گرامی شان امام حسن علیه السلام

است، به پاسخ این پرسش اشاره می کند:

... [پسرم] چه بسا در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده

بیشتر و جزای آرزومند کامل تر شود.

گاهی چیزی را خواسته ای، ولی آن را به تو نداده اند و [در عوض] بهتر از آن

در این جهان یا آن جهان به تو داده اند، و گاهی دعایت به اجابت نرسیده است؛

زیرا چیزی طلب کرده ای که اگر داده شود، مایه تباهی دین تو خواهد بود.

پس چیزی بخواه که نیکی و زیبایی اش برایت ماندگار باشد و رنج و

سختی اش از تو برکنار!^۵

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱. ۲. کافی، ج ۲، ص ۴۷۷. ۳. کافی، ج ۲، ص ۴۷۸. ۴. کافی، ج ۴، ص ۴۶۵. ۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

بیشتر بدانیم

ما در این درس، با برخی از آداب دعا آشنا شدیم. اما علاوه بر آنچه تاکنون خواندیم، عوامل دیگری هم هست که می‌توانند دعاها را بیش از پیش مورد توجه خداوند مهربان قرار دهند.

به حدیث زیر توجه کنید :

رسول خدا ﷺ می‌فرماید :

روز جمعه سرور روزهای دیگر است. نیکی‌ها در این روز، دو چندان می‌شود و گناهان محو می‌شوند. دعاها در روز جمعه مستجاب، گرفتاری‌ها برطرف و حاجات انسان‌ها برآورده می‌شود. جمعه روزی است که خداوند بیش از هر روز دیگری، گرفتاران آتش را آزاد می‌کند و از عذاب می‌رهاند.^۱



۱- دعا کردن چه فایده‌هایی دارد؟ به دو مورد اشاره کنید.

۲- چهار مورد از آداب دعا را بیان کنید.

۳- بنا بر فرمایش حضرت علی علیه السلام، چرا برخی از دعاها فوری برآورده نمی‌شوند؟

پیشنهاد

در کتاب مفاتیح الجنان برای هر یک از روزهای هفته، دعایی از امامان معصوم علیهم السلام آورده شده است. شما می‌توانید با مراجعه به این کتاب، ترجمه یکی از این دعاها را یادداشت کنید و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳.

الهی

... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^۱.

پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن،

و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما،

و ما را از عذاب آتش نکه دار.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

وَمِن ذُرِّيَّتِي

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ^۲.

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده،

و از فرزندانم [نیز چنین فرما].

پروردگارا، دعای مرا بپذیر، و مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را،

در آن روز که حساب برپا می شود، بیا مرز.

تو هم اگر می خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل ششم

جامعه اسلامی

ما مسلمانان در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که شایسته است آداب و احکام اسلامی آن را رعایت کنیم. در این فصل، به بررسی این آداب و احکام پرداخته می‌شود:

درس چهاردهم (ما مسلمانان): در این درس می‌آموزیم که یکی از وظایف مسلمانان در جامعه اسلامی کمک و یاری رساندن به یکدیگر در امور خیر و مشکلات زندگی است. اگر مسلمانان از حال یکدیگر خبر نداشته باشند و به همدیگر کمک نکنند، از نظر پیامبر اکرم مسلمان نیستند. همچنین اتحاد جامعه اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار است که دشمنان همواره تلاش می‌کنند آن را نابود کنند؛ بنابراین شایسته است مسلمانان برای حفظ قدرت و عزت خود، نسبت به هر موضوعی که اتحاد آنها را ضعیف می‌کند حساس باشند و با آن مبارزه کنند.

درس پانزدهم (حقّ النَّاس): در جامعه اسلامی، افراد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند. ظلم نکردن به یکدیگر و ضایع نکردن حقّ دیگران از این حقوق است. در این درس می‌آموزیم که ما موظفیم در همه کارهایمان دقت کنیم تا حقّ کسی را ضایع نکنیم؛ زیرا در روز قیامت نسبت به تمامی آنها بازخواست خواهیم شد؛ روزی که دیگر چیزی برای جبران آن در دست نداریم.

اگر روزی در خانه متوجه شوی که برادر، یا خواهرت غمگین اند، یا در گوشه‌ای نشسته و اشک می‌ریزند، چه عکس‌العملی نشان می‌دهی؟!
 آیا می‌گویی این مشکل خودشان است و به من ربطی ندارد؟ یا اینکه با آنان همدردی می‌کنی و هر کاری که از دست بریاید برایشان انجام می‌دهی؟!
 مطمئناً همه شما غم و غصه اعضای خانواده را غم و اندوه خود می‌دانید و احساس می‌کنید که پاره‌ای از وجود خود شما به درد آمده است و از هیچ تلاشی برای رفع مشکل آنان دریغ نمی‌کنید. این احساس شما نسبت به افراد خانواده، احساس شیرین و باارزشی است، احساسی که نشان‌دهنده نهایت دلبستگی و دلسوزی شما نسبت به تک‌تک اعضای خانواده است.
 به نظر شما آیا این احساس فقط باید نسبت به افراد خانواده باشد؟
 خداوند متعال در قرآن کریم از ما خواسته است تا همین احساسی را که نسبت به خواهر، یا برادر خود داریم، نسبت به سایر انسان‌ها و به خصوص سایر مسلمانان نیز داشته باشیم و آنان را خواهران و برادران دینی خود و جزء خانواده خویش بدانیم:

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند.*

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ^۱



به نظر شما مسئولیت ما در برابر مشکلات و گرفتاری‌های برادران و خواهران دینی در کشور خود و نیز سایر کشورهای مسلمان چیست؟

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰. * حفظ شود.

برادری در اسلام

خداوند همهٔ مسلمانان را در هر کجا که باشند و به هر زبان که سخن بگویند، اعضای یک خانواده و شریک و هم‌درد یکدیگر می‌داند و مرزهای جغرافیایی و تفاوت نژادها و زبان‌ها را مانعی برای یکدلی آنها نمی‌پندارد.

ما مسلمانان به خدای یگانه و روز قیامت اعتقاد داریم، حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبر خدا و قرآن را آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی می‌دانیم و به سوی کعبه نماز می‌خوانیم. از نظر دین اسلام، هر کسی که به این موارد معتقد باشد، مسلمان است و رنگ پوست، نژاد، زبان و کشوری که در آن زندگی می‌کند دخالتی در مسلمانی او ندارد.

حال بینیم وظیفهٔ ما در برابر برادران و خواهران دینی چیست؟ یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان پرسید: حقّ مسلمان بر مسلمان دیگر چیست؟ امام فرمود:

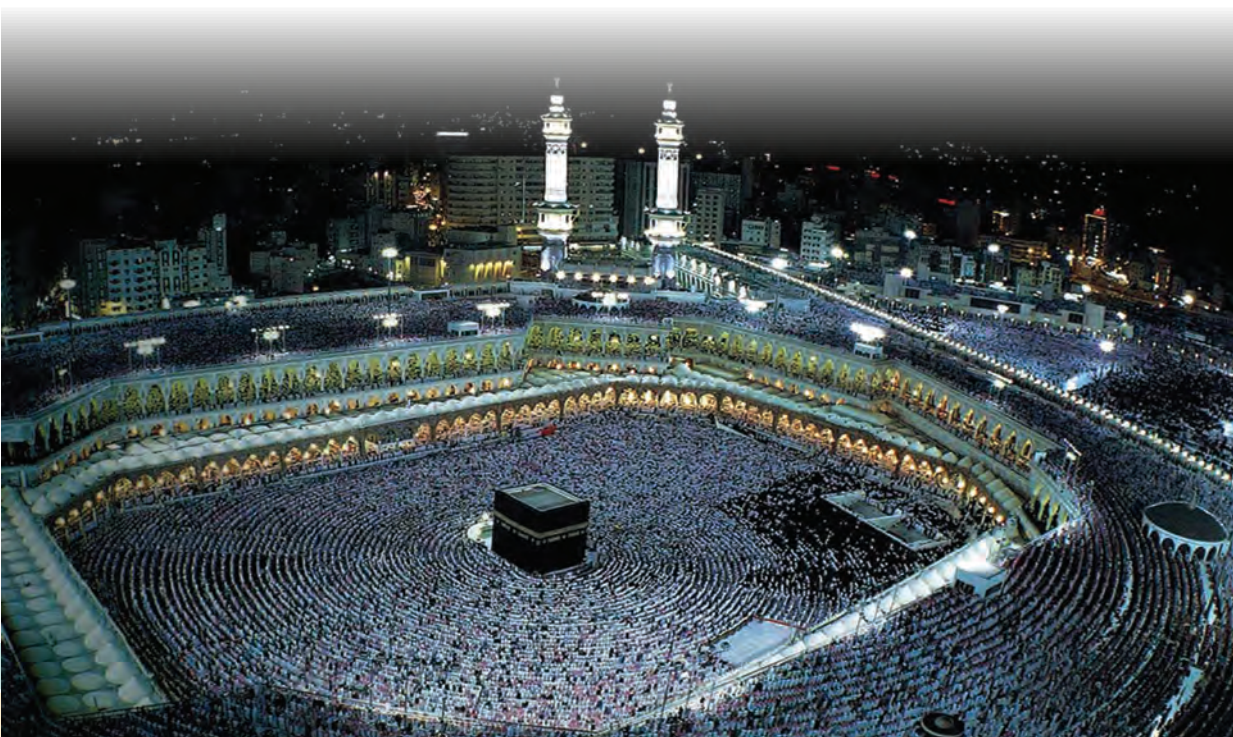
❖ نخست آنکه هرچه برای خودت دوست داری برای او نیز دوست

بداری و هرچه برای خودت نمی‌پسندی برای او نیز نپسندی،

❖ دوم آنکه به دنبال خوشنودی‌اش باشی و او را خشمگین نکنی،

❖ سوم آنکه [هرگاه نیاز شد] با جان و مال و زبان و دستت او را

یاری کنی،



- ❖ چهارم آنکه آئینه و راهنمای او باشی،
- ❖ پنجم آنکه سیر نباشی، درحالی که او گرسنه است و سیراب
- ❖ نباشی، درحالی که او تشنه است و از لباس(های گوناگون) بهره مند
- ❖ نباشی، درحالی که او لباسی ندارد،
- ❖ ششم آنکه اگر مریض شد به عیادتش بروی،
- ❖ هفتم اینکه اگر دانستی که نیازی دارد، پیش از آنکه به تو بگوید خودت برای رفع نیازش اقدام کنی.^۱



به نظر شما اگر مسلمانان این وظایف را نسبت به یکدیگر انجام دهند، دنیای مسلمانان چگونه خواهد شد؟



بیشتر بدانیم

آمدم تا پروانه شوم!

دکتر مصطفی چمران یکی از نخبه‌های عرصه علم و دانش بود. او در سال ۱۳۳۲ با رتبه ۱۵ در رشته الکترونیک دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد. وی پس از تحقیقات علمی در جمع معروف‌ترین دانشمندان جهان موفق به اخذ

دکتری با رتبه عالی در رشته فیزیک پلاسما از یکی از دانشگاه‌های معروف آمریکا گردید.

دکتر چمران به محض باخبر شدن از اینکه مسلمانان مصر و لبنان در حال مبارزه با اسرائیل اند، دست از همه امکانات و راحتی‌های زندگی شست و رهسپار مصر شد. وی پس از دو سال اقامت در مصر راهی لبنان شد و در کنار مبارزه با اسرائیل به نگهداری و سرپرستی از محرومان و یتیمان این کشور پرداخت. به گونه‌ای که در یکی از مؤسسات خیریه شهر صور لبنان سرپرستی ۴۵ یتیم را برعهده داشت.

دکتر چمران نزدیک به ده سال در لبنان ماند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به کمک مردم کشور خود شتافت و در پاره، سوسنگرد و اهواز به مبارزه با دشمنان میهن پرداخت و سرانجام در سال ۶۰ در دهلاویه به شهادت رسید.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

وی در بخشی از وصیت‌نامه خود این‌گونه می‌گوید :

از اینکه به لبنان آمدم و با مشکلاتی سخت دست به گریبان بوده‌ام، متأسف نیستم. از اینکه دنیای لذات و راحت‌طلبی را پشت سر گذاشتم، متأسف نیستم. از آن دنیای مادی و راحت‌طلبی گذشتم و به دنیای درد، محرومیت، رنج، شکست، اتهام، فقر و تنهایی، قدم گذاشتم. با محرومیت همنشین شدم. با دردمندان و شکسته‌دلان هم‌آواز گشتم... تا پروانه شوم، تا بسوزم، تا نور برسانم تا عشق بورزم... تا از شرق به غرب و از شمال تا جنوب لبنان را زیر پا گذارم و ارزش‌های الهی را به همگان عرضه کنم...^۱

تفرقه افکنان

هم‌اکنون بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان در ۵۷ کشور اسلامی^۲ زندگی می‌کنند. حال به نظر شما اگر این جمعیت عظیم با یکدیگر متحد باشند و به برادری با یکدیگر اعتقاد راستین داشته باشند، آیا هیچ قدرتی می‌تواند آنها را شکست دهد؟
به نظر شما آیا دشمنان دین حاضرند دست روی دست گذاشته و اتحاد و قدرت مسلمانان را ببپذیرند؟ خداوند حکیم درباره دشمنان اسلام می‌فرماید :

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا	ای کسانی که ایمان آوردید،
لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ	از غیر خودتان هم‌راز انتخاب نکنید،
لَا يَأْلُونَكُمُ خَبَالًا	آنها از هیچ فسادى نسبت به شما کوتاهی نمی‌کنند
وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ	آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید
قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ	دشمنی از گفتار و کلامشان آشکار است
وَمَا تُخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ^۳	و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، بزرگ‌تر است.

۱. مرگ از من فرار می‌کند، مصطفی چمران.

۲. منظور از کشورهای اسلامی کشورهایی است که بیش از نیمی از جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.

قدرت‌های استعمارگر می‌دانند اگر مسلمانان با یکدیگر متحد شوند، آنها دیگر نخواهند توانست به راحتی ثروت‌های مسلمانان را غارت کنند؛ به همین دلیل تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا نگذارند این اتحاد صورت پذیرد.

یکی از برنامه‌های اصلی این قدرت‌ها ایجاد تفرقه در بین ملت‌های مسلمان و جنگ افروزی در میان آنهاست. استعمارگران برای اجرای این برنامه شوم خود مراحل زیر را دنبال می‌کنند:

آنان در مرحله اول با استفاده از قدرت تبلیغاتی و رسانه‌های پُرشماری که در اختیار دارند، به صورت پیوسته اختلافات میان اقوام و مذاهب مختلف مسلمان را بزرگ‌نمایی می‌کنند. آنان تلاش می‌کنند این اختلافات را به مسئله اصلی مسلمانان تبدیل کنند؛ مثلاً اگر تعداد اندکی از افراد نادان و ساده لوح در میان یک قوم یا طرفداران یک مذهب کار اشتباهی انجام دهند، رسانه‌های استکباری با انعکاس گسترده این اقدام، و بزرگ‌نمایی آن تلاش می‌کنند آن را به تمام پیروان آن مذهب نسبت دهند و به این وسیله میان اقوام و مذاهب مختلف بدبینی و تفرقه را حاکم کنند. نکته مهم این است که قدرت‌های استعمارگر در این اختلافات واقعاً طرفدار هیچ گروهی نیستند؛ بلکه فقط می‌خواهند این اختلافات گسترده شود تا دو طرف مسلمانان هر روز ضعیف‌تر شوند.

آنها در مرحله بعدی و پس از آنکه ملت‌ها را کاملاً از هم جدا کردند، با تحریک آنها جنگ‌های داخلی را میان مسلمانان به راه می‌اندازند و حتی به صورت پنهانی و با آشکار به توزیع اسلحه و مهمات جنگی میان آنها می‌پردازند. یکی از اقداماتی که این قدرت‌ها در سال‌های اخیر برای پیشبرد این هدف دنبال کرده‌اند، تشکیل فرقه‌ها و گروه‌هایی با شعارها و ظواهر اسلامی اما همسو و هم جهت با اهداف آنان است. این گروه‌ها که با حمایت مالی و اطلاعاتی امریکا و برخی کشورهای غربی و با به‌کارگیری افراد نادان و تندرو تشکیل می‌شوند، به بهانه‌های واهی هم مسلمانان را وارد جنگ‌های فرسایشی و ویرانگر می‌کنند و هم با ارائه چهره زشت و خشن از اسلام، مانع گرایش روزافزون مردم جهان به سوی پیامبر رحمت و دین اسلام می‌شوند.

نکته مهمی که چهره واقعی این گروه‌ها را نشان می‌دهد این است که آنان حتی یک بار نیز علیه دشمن واقعی مسلمانان یعنی اسرائیل و حامیان آن اعلام جنگ نکرده‌اند بلکه حتی فراتر از آن بارها دوستی و هم‌پیمانی خود را با آنها اعلام کرده‌اند.

به کمک هم گروهی های خود پیام این تصویر را بیان کنید.



شیعه و سُنی

دو گروه از مسلمانان که همواره تلاش می شود میان آنها اختلاف ایجاد شود، شیعیان و اهل سنت هستند. شیعیان و اهل سنت دو گروه اصلی مسلمانان هستند. آنها در بیشتر عقاید اسلامی و احکام دینی با هم مشترک هستند. آنها همدیگر را مسلمان می دانند و تمام حقوقی که برای یک مسلمان وجود دارد را برای هم محترم می شمارند.

اصلی ترین موضوعی که شیعیان و اهل سنت درباره آن با هم اختلاف نظر دارند، مسئله خلافت پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است :

اهل سنت معتقدند که پیامبر برای خودش جانشینی تعیین نفرمود. پس از رحلت رسول خدا به دلیل اینکه حفظ نظم جامعه و اداره کشور اسلامی نیازمند رهبر است، تعدادی از مسلمانان در مکانی

به نام سقیفه گردهم آمدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند و با وی بیعت کردند. اما شیعیان معتقدند پیامبر اکرم ﷺ با یادآوری شایستگی و علم و تقوای علی بن ابی طالب، او را به عنوان جانشین خود، و امامان پس از ایشان تا امام دوازدهم را به مردم معرفی نمود. هرچند مسلمانان شیعه و سنی در این موضوع با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما نکته مهم این است که بدانیم هر دو گروه مسلمانانند و بر اساس دین اسلام هیچ گروهی حق ندارد به مقدسات و عقاید گروه دیگر اهانت کند یا آنها را از محدوده اسلام بیرون بداند.

البته شاید عده‌ای نادان در میان مسلمانان باشند که گمان کنند با توهین به مقدسات طرف دیگر یا کافر شمردن آن طرف (جریان تکفیری)، به دین خود خدمت می‌کنند، اما در دنیای امروز، دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده است که هر اقدامی که به اختلافات قومی و نژادی و مذهبی مسلمانان از همدیگر بینجامد، در واقع خدمت به دشمنان اسلام عزیز است.

مقام معظم رهبری با اشاره به این نکته مهم می‌فرماید:

هرکسی را شما دیدید که ندای تفرقه بین شیعه و سنی را سر می‌دهد، چه شیعه باشد و چه سنی، این فرد مزدور دشمن است، چه خودش بداند و یا نداند.^۱

بیشتر بدانیم

فدائیان وحدت

وحدت مسلمانان آن قدر اهمیت دارد که مردانی بزرگ و شریف حاضر شدند جان پاکشان را فدای این اتحاد ارزشمند کنند.

سردار شهید نورعلی شوشتری و شهید مولوی مصطفی جنگی زهی نمونه‌هایی از این مردان بزرگ هستند که به خاطر تلاش برای ایجاد وحدت میان هم‌میهنان شیعه و سنی به شهادت رسیدند.



شهید شوشتری فرمانده شجاعی بود که با دلسوزی و مهربانی تلاش می‌کرد تا اختلافات میان گروه‌ها و طوایف مختلف را در استان سیستان و بلوچستان برطرف کند و با ایجاد وحدت میان آنان راه را برای آبادانی و رفاه مردم شریف این استان هموار سازد. او برای مردم محروم منطقه، پدری مهربان بود که خدمات‌های ارزنده‌اش در ذهن و قلب مردم باقی است. وی سرانجام در انفجاری که توسط

۱. دیدار با مردم شهر سنجند، اردیبهشت ۸۸.

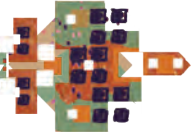


فریب‌خوردگان فرقه‌های افراطی صورت گرفت به همراه جمع زیادی از مردم مظلوم شیعه و سنی به شهادت رسید.

شهید جنگی زهی نیز از عالمان اهل سنت و امام جمعه شهر راسک بود که نقش مهمی در وحدت‌آفرینی و مقابله با مزدوران بیگانه داشت. وی که با روشنگری‌های خود مانع بزرگی برای تروریست‌های وهابی بود و تلاش آنها را برای فریب افراد ناآگاه خنثی می‌کرد، بارها مورد تهدید مزدوران قرار گرفته بود تا اینکه بالاخره در شامگاه سی‌ام دی ماه ۱۳۹۰ هنگامی که از مسجد به خانه باز می‌گشت مورد حمله تروریست‌ها قرار گرفت و به شهادت رسید.

راهی که این مردان آسمانی در پیش گرفتند، امروز نیز توسط هم‌زمان آنها ادامه دارد.

خودت را امتحان کن



- ۱- چهار مورد از وظایف یک مسلمان را نسبت به برادران دینی‌اش بیان کنید.
- ۲- مهم‌ترین برنامه دشمنان اسلام برای از بین بردن اتحاد مسلمانان چیست؟ مراحل این برنامه را توضیح دهید.

پیشنهاد

قرآن کریم در آیه پایانی سوره فتح می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ

وَ الَّذِينَ مَعَهُ

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

محمد فرستاده خداست،

و کسانی که با او هستند،

با کافران سختگیر،

و در میان خودشان مهربان‌اند.

این آیه را در یک صفحه توضیح دهید و با ذکر چند مثال بنویسید که اگر ما بخواهیم به این آیه نورانی عمل کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

برای انجام این فعالیت می‌توانید از بزرگ‌ترها و افراد آگاه کمک بگیرید.

الهی

خداوندا،

ای همیشه پیروز،

میان دشمنان مسلمانان تفرقه و جدایی افکن تا بر ضد ما متحد نشوند،
و دل های مسلمانان را به هم پیوندزن تا در همه حال در کنار یکدیگر و پشتیبان هم باشند.

خدایا،

به ما کمک کن تا بر حیلہ های دشمن چیره شویم،
همدل و غمخوار هم باشیم و برای رفع مشکلات یکدیگر تلاش کنیم.

خدایا،

پرچم پیروزی اسلام را برافراز

و زمین را پر از عدالت کن.

ایستگاه آخر

فرشته مأمور رسیدگی به اعمال، با دقت آخرین صفحه‌های این فصل پرونده او را هم می‌بیند و بعد مَهْری روی پرونده می‌زند. چیزی نمانده که قلبش از اضطراب کنده شود. همین که فرشته مَهْر را برمی‌دارد، از خوشحالی فریاد می‌کشد:

... قبول!

نفس راحتی می‌کشد. باورش نمی‌شود که توانسته است از این ایستگاه^۱ هم با سلامتی عبور کند. برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. جمعیت انبوهی را می‌بیند که در ایستگاه‌های مختلف متوقف مانده‌اند. عده‌ای که نمازهایشان کامل نبوده در ایستگاه نماز، آنها که روزه‌هایشان کامل نبوده در ایستگاه روزه، کسانی که زکات اموالشان را نداده‌اند در ایستگاه زکات، عده‌ای در ایستگاه حج، عده‌ای در ایستگاه امر به معروف و ...

یادش می‌آید که خودش هم به خاطر اینکه بعضی نمازهایش در دنیا درست نبود، مدتی طولانی در ایستگاه نماز معطل مانده بود و اگر رحمت خداوند شامل حالش نشده بود، معلوم نبود چه سرانجامی در انتظارش باشد.

کم کم از دور دروازه‌های بهشت نمایان می‌شود. حالا فقط یک ایستگاه دیگر مانده است و اگر از این یکی هم با مَهْر قبول بگذرد، لحظاتی بعد در بهشت خواهد بود؛ ایستگاه حق الناس!



۱. براساس سخنان پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام در روز قیامت توقف‌گاه‌هایی وجود دارد که اعمال مردم در آنها بررسی می‌شود (کافی، ج ۲، ص ۳۳۱).

مستول نظارت پرونده، نگاهی به فصل آخر پرونده‌اش می‌کند و دستور می‌دهد او را بالای مکان بلندی ببرند. از آن بالا همه را می‌بیند. مردم هم او را می‌بینند. سپس یکی از مأموران با صدایی بلند او را معرفی می‌کند و می‌گوید: هر کس بر گردن این فرد حقی دارد، بیاید و حقش را بگیرد. او که تا چند لحظه پیش خودش را در بهشت می‌دید، ناگهان در بین عده زیادی از مردم گرفتار می‌شود. مأموران همه را به صف می‌کنند تا یکی یکی بیایند و حرفشان را بزنند.

نفر اول جلو می‌آید: مرا به یاد می‌آوری؟ ما با هم همسایه بودیم. یادت هست همیشه مرا به خاطر اینکه هنگام صحبت کردن زبانم می‌گرفت، مسخره می‌کردی؟ من از تو ناراضی‌ام و نمی‌گذارم به بهشت بروی.

دومین نفر: ما با هم در یک کلاس درس می‌خواندیم. تو از من قوی‌تر بودی و چون می‌دانستی من زورم به تو نمی‌رسد، به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفتی. یادت هست یک‌بار با من دعوا کردی و سیلی محکمی به صورتم زدی؟ من از تو ناراضی‌ام.

سومین نفر: یادت هست آن روز برای خرید به مغازه من آمدمی و پولت کم بود؟ هر چه خواستی برداشتی و گفתי می‌روم و خیلی زود بقیه پول را می‌آورم. اما رفتی و دیگر برنگشتی. حالا بقیه پولم را از تو می‌خواهم!

نفر بعد: یادت هست آن وقت که در مغازه میوه‌فروشی کار می‌کردی؟ روزی من برای خرید پیش تو آمدم. تو یک جعبه میوه به من فروختی که میوه‌های روی آن همه سالم بود، ولی میوه‌های زیر آن خراب. تو با اینکه می‌دانستی آن میوه‌ها خراب‌اند، چیزی به من نگفتی و مرا فریب دادی. حالا یا پول مرا پس بده و یا به من میوه سالم بده!
و همین‌طور نفر بعدی و....

حسابی گیج شده است. میوه خراب فروختم؟! مسخره کردم؟ کتک زدم؟...
با التماس به مأموران می‌گوید: آخر من در این وضعیت پول از کجا بیاورم؟ شما یک چیزی بگویید. اما مأموران می‌گویند: چاره‌ای نیست. باید رضایت آنها را به دست آوری.
مدتی می‌گذرد. او که به جز کارهای خوب داخل پرونده‌اش چیز دیگری همراه ندارد، مجبور می‌شود مقداری از کارهای خویش را به نفر اول بدهد تا او را از خودش راضی کند. نفر دوم هم مقداری دیگر از ثواب‌هایش را می‌گیرد. نفر سوم و.... پس از مدتی همه کارهای خویش تمام می‌شود، ولی طلبکاران هنوز تمام نشده‌اند. دیگر نمی‌داند چه کار کند. طلبکار بعدی که می‌بیند چیز دیگری برای او نمانده، می‌گوید: چند تا از گناهان مرا بگیر تا از حق خودم بگذرم. نفر بعد گناهان دیگر و....
انگار همه چیز دور سرش می‌چرخد. اصلاً حالش خوب نیست. هر قدر تلاش می‌کند، دیگر نمی‌تواند دروازه‌های بهشت را ببیند. شعله‌های آتش را می‌بیند که به طرفش می‌آید. سرش گیج می‌رود و زیر پایش خالی می‌شود. فریاد بلندی می‌کشد و ناگهان....

حقوق سه گانه

به کارهایی که در طول یک شبانه روز انجام می دهیم، فکر کنیم :

۱- غذا می خوریم،

۲- برای نماز به مسجد می رویم،

۳- برای سوار شدن به اتوبوس در صف می ایستیم.

اگر کمی دقت کنیم می بینیم بعضی از کارهایی که ما هر روز و شب انجام می دهیم برای این است که خودمان سالم بمانیم و بتوانیم از هر نظر رشد خوبی داشته باشیم. به این کارها **حَقَّ النَّفْسِ** گفته می شود. غذا خوردن، استراحت کردن، مسواک زدن و مطالعه کردن از این کارها هستند. توجه به **حَقَّ النَّفْسِ** یکی از مهم ترین وظایفی است که خداوند به عهده هر یک از ما قرار داده است.

بعضی کارهای دیگر را برای این انجام می دهیم که دستور خداوند را اطاعت کنیم. به این کارها **حَقَّ اللَّهِ** گفته می شود. نماز خواندن، امر به معروف و دوری از گناهان از این گروه اند.

بخش دیگری از کارها، وظیفه های ما نسبت به دیگران است. ما موظفیم به نیازمندان کمک کنیم، دیگران را آزار ندهیم، **حَقَّ** دیگران را رعایت کنیم و به کسی ظلم نکنیم. به این وظایف **حَقَّ النَّاسِ** گفته می شود.



۱- به نمونه ها توجه کنید و جدول زیر را با چند مثال دیگر کامل کنید.

۱- کسی که بدون دلیل در ماه رمضان روزه نمی گیرد.	بی توجهی به حَقَّ اللَّهِ
۲-	
۳-	
۱- کسی که به دیگران نهمت می زند.	بی توجهی به حَقَّ النَّاسِ
۲-	
۳-	
۱- کسی که عمر و وقتش را بیهوده تلف می کند.	بی توجهی به حَقَّ النَّفْسِ
۲-	
۳-	

۲- به نظر شما کوتاهی در انجام کدام یک از این سه نوع وظیفه، جبراننش مشکل تر است؟ چرا؟

همان‌طور که در درس «آفت‌های زبان» دیدیم، دروغ گفتن، غیبت کردن و ناسزا گفتن از گناهانی بود که انسان نسبت به دیگران انجام می‌دهد و در واقع با این کار به آنها ظلم می‌کند. با دروغ گفتن سخن غیرواقعی درباره کسی گفته می‌شود، با غیبت کردن چهرهٔ یک انسان پیش دیگران تخریب می‌شود، و با فحش دادن شخصیت فردی نزد دیگران تحقیر می‌شود و همهٔ اینها نمونه‌های ظلم در حق سایر مردم است؛ بنابراین حق الناس فقط در حقوق مالی مردم نیست؛ بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حق الناس است.

دامنهٔ حقوق دیگران آن‌قدر گسترده است که گاهی اوقات انسان‌ها با انجام بعضی کارها بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند، حقوق عدهٔ زیادی از مردم را از بین می‌برند و در روز قیامت ناگهان با جمعیت بسیار زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شوند.

مثلاً کسی را تصور کنید که آتشی را در جنگل روشن می‌کند و هنگام رفتن، آن را خاموش نمی‌کند و همین بی توجهی او باعث آتش گرفتن بخش وسیعی از جنگل می‌شود. به نظر شما آیا این فرد در برابر تمام کسانی که به خاطر بی توجهی او از هوای پاک محروم شده‌اند، مسئول نیست؟ آیا کسی که با ریختن مواد سمی در رودخانه‌ها آب‌های عمومی را آلوده می‌کند، در برابر مردم مسئول نیست؟

پیامبر اکرم ﷺ به این گونه افراد فرمود:

از رحمت خدا دور است کسی که توقف‌گاه‌ها و استراحتگاه‌های

عمومی را آلوده کند و [همچنین] کسی که راه عبور مردم را سد کند.^۱

همین‌طور که می‌بینید چیزهایی وجود دارد که همهٔ مردم حق دارند از آنها بهره‌مند شوند؛ جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، فضاها، سبزه‌ها و کوه‌ها نمونه‌هایی از این اموال عمومی‌اند که خداوند مهربان آنها را برای استفادهٔ همهٔ مخلوقات آفریده است.

دین اسلام نه تنها به همهٔ مسلمانان سفارش می‌کند در حفظ محیط زیست کوشا باشند؛ بلکه کمک به رشد و حفاظت از این نعمت‌های الهی را در ردیف عبادات می‌شمارد.

بیشتر بدانیم

حواسش حتی به صدای ماشین هم بود!

خانه‌اش در انتهای یک کوچهٔ فرعی بود. شب‌ها که دیروقت از محل کار به خانه باز می‌گشت، ماشین‌ها سر کوچه خاموش می‌کرد و تا انتهای کوچه هل می‌داد، تا نکند صدای آن مزاحمت برای همسایه‌ها باشد. صبح زود هم که از خانه بیرون می‌زد، ماجرا همین بود: ماشین‌ها را تا سر کوچه هل می‌داد.

خاطره‌ای از شهید یوسف کلاه‌دوز

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۶.



- ۱- اگر کسی با شکستن یک درخت حق همه مردم را از بین ببرد، چگونه می‌تواند این حق بزرگ را جبران کند؟
- ۲- نمونه‌های دیگری از بی‌توجهی به حق الناس که در میان افراد جامعه مشاهده می‌کنید، بیان نمایید.



- ۱- کسی که دوست دارد به بهشت الهی راه یابد، باید حقوق چه کسانی را رعایت کند؟
- ۲- اگر همه مردم نسبت به حقوق یکدیگر بی‌توجهی کنند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟
- ۳- سه نمونه از حقوقی را که هم کلاسی‌ها بر شما دارند، بیان کنید.
- ۴- سه نمونه از حقوقی را که افراد خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و...) بر شما دارند، بیان کنید.

بیشتر بدانیم

بدترین دزدی

عقیل که پیر شده و بینایی خود را از دست داده بود، آن شب مهمان برادرش علی علیه السلام بود، با برادرش روی بام دارالاماره نشستند و با هم سخن می‌گفتند. عقیل منتظر فرصت مناسبی بود تا مسئله اصلی را بیان کند. کم‌کم موقع صرف شام فرا رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می‌دید، انتظار سفره رنگینی داشت، ولی سفره که پهن شد، جز غذایی بسیار ساده چیزی در آن نبود. غذایی مانند آنچه فقیرترین مردم کوفه می‌خورند! عقیل با کمال تعجب پرسید: غذا همین است؟ علی علیه السلام فرمود: مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را به خاطر این نعمت‌ها بسیار شکر می‌کنم. عقیل کمی فکر کرد و سپس گفت: پس من حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من بدهکارم و زیر بار قرض‌هایم مانده‌ام. اگر می‌خواهی به برادرت کمک کنی، دستور بده قرض مرا از بیت‌المال بپردازند.

– چقدر مقروضی؟

– صد هزار درهم!

– صد هزار درهم؟ چقدر زیاد! متأسفم برادر جان، این قدر ندارم که قرض‌های تو را بدهم. اما کمی صبر کن تا موقع پرداخت حقوق برسد. از سهم شخصی خودم برمی‌دارم و به تو می‌دهم و حق برادری را به‌جا خواهم آورد. اگر نیازها و مخارج خانواده خودم نبود، تمام سهم خودم را به تو می‌دادم و چیزی برای خودم نمی‌گذاشتم.

– صبر کنم تا وقت پرداخت حقوق برسد؟ بیت المال و خزانه کشور در دست توست؛ آن وقت به من می‌گویی صبر کن تا موقع پرداخت سهمیه‌ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی می‌توانی از خزانه و بیت المال برداری. چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله می‌کنی؟ از این گذشته، مگر تمام حقوق تو از بیت المال چقدر است؟ اگر تمام حقوق خودت را هم به من بدهی، چه دردی از من دوا می‌کند؟

– من از پیشنهاد تو تعجب می‌کنم. خزانه دولت پول دارد یا ندارد چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هم هر کدام فردی هستیم مثل سایر مسلمانان. این درست است که تو برادر منی و من باید تا آنجا که می‌توانم به تو کمک کنم، اما از مال خودم نه از بیت المال مسلمانان!



این گفت‌وگو ادامه داشت و عقیل با زبان‌های مختلف درخواست خویش را تکرار می‌کرد:

— اجازه بده از بیت‌المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم.

پایین دارالأماره، بازار کوفه قرار داشت و از بالای بام، صندوق‌های پول تجار و بازاری‌ها دیده می‌شد.

در این بین که عقیل اصرار و سماجت می‌کرد، علی رضی الله عنه فرمود:

— اگر بازهم اصرار داری و سخن مرا نمی‌پذیری، پیشنهادی به تو می‌کنم. اگر بپذیری می‌توانی تمام بدهی

خویش را بپردازی و بیش از آن هم داشته باشی.

— چه کار کنم؟

— در این پایین صندوق‌هایی است؛ همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوق‌ها

را بشکن و هر چه دلت می‌خواهد بردار.

— صندوق‌ها مال کیست؟

— مال این مغازه‌داران است. اموال نقدینه خود را در آنجا می‌ریزند.

— عجب! به من پیشنهاد می‌کنی صندوق‌های مردم را بشکنم و مال مردم را که به هزار زحمت به دست می‌آورند

و در اینجا می‌گذارند و با توکل بر خدا می‌روند، بردارم؟

— پس تو چطور به من پیشنهاد می‌کنی تا صندوق بیت‌المال مسلمانان را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به

کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که اکنون راحت در خانه‌های خویش خفته‌اند.

— برادر جان، من برای دزدی نیامده‌ام که تو این حرف‌ها را می‌زنی. من می‌گویم از بیت‌المال و خزانه کشور که

در اختیار تو است، اجازه بده پولی به من بدهند تا من قرض‌هایم را ادا کنم.

— چطور ربودن مال یک نفر با شمشیر، دزدی است، ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده‌ای

دزدی فقط این است که کسی به دیگری حمله کند و با زور مال او را از چنگالش بیرون آورد؟ بدترین و زشت‌ترین اقسام

دزدی همین است که تو الآن به من پیشنهاد می‌کنی!

الهی

خدایا، هر یک از بندگانت که بر آنان ستمی کردم؛
و کسانی که آبرویشان را زخمتم؛
یا اموالشان را تباه کردم،
آنان که غیبتشان را کردم،
و آنان که به سختی شان انداختم،
اکنون تو خود، آنان را از من راضی کن،
و مرا نیز یاری کن تا حقوق آنان را جبران کنم.

تو هم اگر می خواهی چند کلام با پروردگارت سخن بگو.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امالی، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- ۳- بازگشت به عفاف، وندی شالیت، ترجمه ماندانا آجودان، هفته نامه زن روز، ش ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۴.
- ۴- بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۵- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، مهدی منتظر قائم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱ش.
- ۶- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- ۷- تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۸- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- ۹- تئبیه الخواطر و زهة النواظر (مشهور به مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
- ۱۰- تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۱- جامع الاخبار، شعیری، محمد بن محمد، نجف، مطبعة حیدریه، بی تا.
- ۱۲- خدای من، کلهر، فریبا، تهران، مدرسه، ۱۳۸۷ش.
- ۱۳- روزه می تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شلتون، مترجم ماشاء الله فرخنده، تهران، نسل نو اندیش، ۱۳۸۴ش.
- ۱۴- سنن ابن ماجه، محمد بن زبید القزوينی، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بی جا، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
- ۱۵- سنن ترمذی، الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶- الصحیفة السجادیة، علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
- ۱۷- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۱۹- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۰- کنز العمال، المتقی الهندی، تحقیق الشیخ بکری حیانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- ۲۱- المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، تحقیق محدث، جلال الدین، قم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ۲۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- ۲۳- المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیسابوری، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی جا، بی تا.
- ۲۴- مسند احمد، الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ۲۵- مصباح الشریعه، منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
- ۲۶- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۲۷- من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ۲۸- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- ۲۹- وسائل الشیعه، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی)، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- ۳۰- ینابیع الموده لذوی القربی، القندوزی، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا، دارالاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ق.

